

فصل دوم: حقوق تجارت

لطفاً شماره مباحث به ترتیب اصلاح شود. از اول تا پنجاه و سوم

مبحث اول: تجار و معاملات تجاری

۱- کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد:

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) تاجر محسوب می‌شود.

ب) به هیچ وجه تاجر محسوب نمی‌شود.

ج) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.

د) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلیه برای کارمندان دولت ممنوعیت کلی اشتغال به تجارت وجود ندارد ولی بعضی از قوانین انجام برخی امور تجاری را برای کارمندان ممنوع کرده‌اند.

۶۸ رجوع کنید به ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴.

(آزمون ۱۳۸۶)

۲- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

الف) ماشینی که به قصد اجاره معاوضه می‌شود، عمل تجاری است.

ب) خرید چرم جهت تبدیل به کفش به قصد فروش تجاری نیست.

ج) هرگاه کسی قالی بخرد برای منزل خود و بعد از مدتی آن را بفروشد عمل تجاری است.

د) خرید کتاب به قصد فروش آن عمل تجاری است.

گزینه‌های «ب» و «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲ قانون تجارت؛

کلیه خرید چرم جهت تبدیل به کفش به قصد فروش، عمل تجاری منطبق بر بند (۱) ماده ۲ قانون تجارت است. (ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد اول، صفحه ۴۶)

کلیه هرگاه کسی برای منزل خود قالی بخرد و بعد از مدتی آن را بفروشد، عمل تجاری نیست؛ زیرا به موجب بند (۱) ماده ۲ قانون تجارت قصد فروش یا اجاره باید حین خرید یا تحصیل وجود داشته باشد. (اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت- کلیات، صفحه ۶۴)

(آزمون ۱۳۸۶)

۳- معاملات برواتی: www.Magazine.Shme.ir

الف) ذاتاً تجاری است.

ب) مطلقاً تجاری است.

ج) وقتی بین تجار باشد تجاری است.

د) گزینه الف و ب صحیح است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق بند (۸) ماده ۲ قانون تجارت؛

ماده ۲ مقرر می‌دارد: «معاملات تجاری از قرار ذیل است:

۸- معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیرتاجر باشد...»

کلیه معاملات برواتی حکماً تجاری محسوب می‌شود.

۴- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟

- الف) دلال
ب) حق العمل کار
ج) کسبه جزء
د) قائم مقام تجارتي
- گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق مواد ۲ (بند ۳)، ۶، ۳۳۵ و ۳۵۸ قانون تجارت؛

بند ۳ ماده ۲ مقرر می دارد: «معاملات تجارتي از قرار ذیل است:

۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره ...»

ماده ۶ مقرر می دارد: «هر تاجر به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

۱. دفتر روزنامه
۲. دفتر کل
۳. دفتر دارایی
۴. دفتر کپیه»

ماده ۳۳۵ مقرر می دارد: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.»

ماده ۳۵۸ مقرر می دارد: «جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجع به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.»

(آزمون ۱۳۸۳)

۵- معامله بین دو تاجر:

الف) در هر حال تجاری خواهد بود.

ب) در هر حال تجاری خواهد بود به استثنای اموال غیر منقول.

ج) در هر حال تجاری خواهد بود به استثنای اموال منقول.

د) فقط در صورتی که مربوط به حوایج شخصی تاجر باشد تجاری خواهد بود.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق مواد ۳ و ۴ قانون تجارت؛

ماده ۳ مقرر می دارد: «معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می شود:

۱. کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها؛

۲. کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوایج تجارتي خود می نماید؛

۳. کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می نماید؛

۴. کلیه معاملات شرکت های تجارتي.»

ماده ۴ مقرر می دارد: «معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود.»

(آزمون ۱۳۸۳)

۶- کدام عمل جزء اعمال تجارتي تبعی محسوب می شود؟

الف) معامله اجزاء یا خدمه تاجر برای امور تجارتي تاجر

ب) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه

ج) تصدی به حمل و نقل

د) معاملات برواتی

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق بند ۳ ماده ۳ قانون تجارت؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «معاملات ذیل، به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می‌شود:

... ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می‌نمایند...»

(آزمون ۱۳۸۵)

۷- کدام مورد زیر در شمار معاملات تجارتي تبعی است؟

الف) کلیه معاملات شرکت‌های تجارتي

ب) عملیات بیمه بحری و غیربحری

ج) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر و غیرتاجر باشد.

د) هر قسم عملیات دلالی و حق‌العمل‌کاری و یا عاملی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می‌شود: ... ۴- کلیه معاملات شرکت-

های تجارتي»

(آزمون ۱۳۸۴)

۸- چنانچه شرکت تجارتي مال غیرمنقولی را بخرد آیا این معامله، عمل تجارتي محسوب می‌شود؟

الف) در هر صورت عمل تجارتي محسوب می‌شود.

ب) در هیچ صورتی عمل تجارتي محسوب نمی‌شود.

ج) بله، مشروط بر اینکه برای سکونت مدیرعامل خریداری شده باشد.

د) بله، مشروط بر اینکه برای دفتر مرکزی شرکت خریداری شده باشد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴ قانون تجارت؛

ماده ۴ مقرر می‌دارد: «معاملات غیرمنقول به هیچ‌وجه تجارتي محسوب نمی‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۹- کدام یک از معاملات زیر، عمل تجارتي محسوب نمی‌شود؟

الف) هر قسم عملیات بانکی

ب) عملیات بیمه بحری

ج) معاملات غیرمنقول

د) دفتر دارایی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۰- کدام یک از عبارات ذیل صحیح نمی‌باشد؟

الف) تسهیل نقل و انتقال اموال غیرمنقول تجاری محسوب می‌شود.

ب) معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی‌شوند ولو آنکه بین تاجر انجام شود.

ج) خرید اراضی و تفکیک آن توسط تاجر، به قصد فروش تجاری محسوب می‌شود.

د) احداث ساختمان، به منظور فروش یا اجاره توسط شرکت‌های با مسئولیت محدود، عمل تجاری است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴ قانون تجارت و ماده ۵ قانون تملک آپارتمان مصوب ۱۳۴۳؛

ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها مقرر می‌دارد: «انواع شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و

محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای

ساختمانی ممنوعند.»

مبحث دوم: دفاتر تجارتي

۱۱- کدام دفتر از جمله دفاتر تجاری نیست؟

- الف) درآمد
ب) دارایی
ج) کپیه
د) کل

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۶ قانون تجارت؛

ماده ۶ مقرر می دارد: «هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

۱. دفتر روزنامه
۲. دفتر کل
۳. دفتر دارایی
۴. دفتر کپیه»

۱۲- داشتن کدام یک از دفاتر زیر برای تاجر الزامی نیست؟

- الف) دفتر دارایی
ب) دفتر روزنامه
ج) دفتر کپیه
د) دفتر تراز مالی ماهانه

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۶ قانون تجارت؛

۱۳- کسبه جزء،

الف) مشمول مقررات حقوق تجارت نیستند.

ب) بازرگان به شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معافند.

ج) بازرگان محسوب شده و بدون استثناء مشمول همه تکالیف تاجر می باشند.

د) در گذشته بازرگان به حساب می آمدند، اما در حال حاضر دیگر تاجر تلقی نمی شوند.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق مواد ۶ و ۱۹ ق.ت

ماده ۱۹ مقرر می دارد: «کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.»

۱۴- کدام یک از دفاتر چهارگانه تاجر، نیازی به امضای نماینده ثبت ندارد؟

- الف) دفتر کل
ب) دفتر روزنامه
ج) دفتر کپیه
د) دفتر دارایی

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۱ قانون تجارت؛

ماده ۱۱ مقرر می دارد: «دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود به توسط نماینده اداره ثبت (که

مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره

ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه با کسور آن دو ریال

و به علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد است.»

۱۵- تاجر باید تا چند سال دفاتر تجاری خود را نگهداری کند؟

- الف) ۵ سال
ب) ۱۰ سال
ج) ۱۵ سال
د) ۲۰ سال

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۱۳ قانون تجارت؛

ماده ۱۳ مقرر می دارد: «... تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی تا ده سال نگه دارد.»

۱۶- دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار می برند تا چه زمانی علیه تاجر قابل استناد است؟

الف) تا زمان انقضای مرور زمان دعاوی تجاری

ب) تا ده سال از تاریخ ختم سال مالی

ج) در هر زمان علیه تاجر قابل استناد است.

د) تا ده سال از تاریخ ختم سال مالی برای تاجر دیگر و پس از آن برای غیرتاجر

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۴ قانون تجارت؛

ماده ۱۴ مقرر می دارد: «دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار می برد در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر، در امور تجاری، سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.»

مبحث سوم: شرکت های تجاری

۱۷- شرکت های تعریف شده در حقوق تجارت ایران عبارتند از:

الف) سهامی، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی، مختلط غیرسهامی

ب) سهامی، با مسئولیت محدود، تضامنی، مختلط سهامی، مختلط غیرسهامی، تعاونی

ج) سهامی، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی، مختلط غیرسهامی، تعاونی

د) سهامی، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی، مختلط غیرسهامی، تعاونی، تعاونی سهامی عام

گزینه «د» صحیح می باشد.

۱۸- ادغام شرکت های تجاری در نظام حقوقی ایران:

الف) هنوز به رسمیت شناخته نشده است.

ب) تنها در مورد شرکت های دولتی پذیرفته شده است.

ج) تنها در مورد شرکت های تعاونی به رسمیت شناخته شده است.

د) به موجب قوانین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی تجویز شده است.

گزینه «د» صحیح می باشد.

کج با تصویب ماده ۹۹ لایحه برنامه پنجم، مجوز ادغام شرکت های تجاری، تشکیل شرکت های بزرگ و ارائه امتیازات ویژه دولت به آنها، صادر شد.

مبحث چهارم: دفتر ثبت تجاری اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۹- نداشتن دفاتر تجاری برای بازرگانان:

الف) جرم محسوب و مرتکب به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود.

ب) جرم محسوب و مرتکب به جزای نقدی دویست تا ده هزار ریال محکوم می شود.

ج) جرم محسوب و مرتکب به جزای نقدی دویست هزار ریال محکوم می شود و ممکن است مالیات را از وی به صورت علی الراس

اخذ کنند و در صورت ورشکستگی، ورشکسته به تقصیر محسوب خواهد شد.

د) جرم محسوب نمی شود.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق مواد ۱۶ و ۵۴۲ قانون تجارت؛

ماده ۱۶ مقرر می‌دارد: «در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتي تأسيس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند والا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.»

ماده ۵۴۲ مقرر می‌دارد: «در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

۱. اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق‌العاده باشد؛

۲. اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد؛

۳. اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد. (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد.)»

مبحث پنجم: تعریف و تشکیل شرکت سهامی

۲۰- در کدامین شرکت‌های زیر، مسؤولیت شرکاء و سهامداران شرکت، محدود به آورده آنهاست؟ (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) شرکت‌های سهامی (ب) شرکت با مسؤولیت محدود

ج) شرکت تضامنی (د) شرکت‌های سهامی و با مسؤولیت محدود

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت و ماده ۹۴ قانون تجارت؛

ماده ۱ لایحه مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسؤولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.»

ماده ۹۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «شرکت با مسؤولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتي تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسؤول قروض و تعهدات شرکت است.»

۲۱- شرکت سهامی، بازرگانی محسوب می‌شود به شرط آنکه: (آزمون ۱۳۸۶)

الف) عملیات آن امور بازرگانی باشد.

ب) مطلقاً شرکت بازرگانی محسوب می‌شود.

ج) قسمتی از عملیات آن بازرگانی بوده باشد.

د) هرگز به عملیات بازرگانی اشتغال نداشته باشد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲ مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.»

۲۲- تعداد حداقل شرکاء در شرکت سهامی عام چند نفر است؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) ۲ (ب) ۵

ج) ۷ (د) ۹

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، با جمع مواد ۳ و ۱۰۷ لایحه قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.»

ماده ۱۰۷ مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۲۳- کدام عبارت زیر صحیح است؟

الف) حداقل شرکاء در شرکت سهامی عام سه نفر و حداقل سرمایه یک میلیون ریال می‌باشد.

ب) حداقل شرکاء در شرکت سهامی عام پنج نفر و حداقل سرمایه پنج میلیون ریال می‌باشد.

ج) حداقل شرکاء در شرکت سهامی عام پنج نفر و حداقل سرمایه ده میلیون ریال می‌باشد.

د) حداقل شرکاء در شرکت سهامی عام سه نفر و حداقل سرمایه پنج میلیون ریال می‌باشد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، با جمع مواد ۵ و ۱۰۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۵ مقرر می‌دارد: «در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.»

ماده ۱۰۷ مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.»

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۴- در شرکت‌های سهامی عام، مؤسسين باید اقلأً از سرمایه شرکت را خود تعهد نمایند.

الف) ۲۰ درصد

ب) ۲۵ درصد

ج) ۳۵ درصد

د) ۵۰ درصد

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۶ مقرر می‌دارد: «برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلأً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.»

تبصره- هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیرنقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۲۵- برای تأسیس شرکت سهامی عام مؤسسين باید:

الف) اقلأً ۲۰٪ از سرمایه شرکت را خود تعهد کرده، لااقل ۳۵٪ مبلغ متعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزدیکی از بانک‌ها بسپارند.

ب) ۳۵٪ از سرمایه شرکت را نقداً در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها پرداخته و نیازی به تعهد بقیه مبلغ ندارند.

ج) صرفاً نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده و بیست درصد آن را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها بسپارند.

د) ۳۵٪ از سرمایه شرکت را پرداخت کرده و کل سرمایه را تعهد نمایند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۲۶- برای تأسیس یک شرکت سهامی عام، مؤسسين مکلفند چقدر از سرمایه را خود تعهد کرده و چقدر از آن را در بانک تودیع کنند؟

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) پرداخت ۲۰٪ از ۳۵٪ از سرمایه تعهد شده (ب) تعهد و پرداخت ۳۵٪ از سرمایه

ج) پرداخت ۳۵٪ از ۲۰٪ از سرمایه تعهد شده (د) تعهد و پرداخت ۲۰٪ از سرمایه

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۲۷- انتشار اعلامیه پذیرهنویسی توسط شرکت‌های سهامی عام، منوط به صدورمجوز توسط ... می‌باشد. (آزمون ۱۳۸۹)

الف) فقط اداره ثبت شرکتها

ب) فقط سازمان بورس و اوراق بهادار

ج) سازمان بورس و اوراق بهادار و اداره ثبت شرکتها

د) اداره ثبت شرکتها (در مورد شرکت‌های پذیرفته نشده در بورس)

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛

ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر خواهد نمود.»

۹۵ رجوع کنید به مواد ۲۰ و ۲۲ قانون بازار بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴.

۹۶ رجوع کنید به اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد دوم، صفحه ۲۸.

(آزمون ۱۳۸۸)

۲۸- در شرکت سهامی عام امضاء ورقه تعهد سهم:

الف) به خودی خود مستلزم قبول تصمیمات هیأت مدیره است.

ب) منحصراً مستلزم قبول تصمیمات مجامع عمومی است.

ج) به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی است.

د) به خودی خود مستلزم قبول تصمیمات مجامع عمومی و هیأت مدیره است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۵ مقرر می‌دارد: «امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۲۹- شرکت سهامی از چه زمانی تشکیل شده محسوب می‌شود؟

الف) از تاریخ ثبت در اداره ثبت شرکتها

ب) از تاریخ رسمی شروع فعالیت

ج) از تاریخ اعلام اسامی مدیران شرکت

د) از زمان قبول کتبی سمت توسط مدیران و بازرسان پس از مجمع عمومی مؤسس

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۷ مقرر می‌دارد: «مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسؤولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

تبصره- هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی مؤسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۳۰- از چه تاریخی، یک شرکت سهامی تشکیل شده محسوب می‌شود؟

الف) از تاریخ انتشار آگهی تأسیس در روزنامه رسمی کشور

ب) از تاریخ درج آگهی در دفاتر اداره ثبت شرکت‌ها

ج) از تاریخ تحویل مدارک تأسیس شرکت به اداره ثبت شرکت‌ها

د) از تاریخ تصویب اساسنامه و انتخاب مدیران و بازرسان در مجمع عمومی مؤسسین و اعلام قبولی سمت‌ها توسط مدیران و بازرسان

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛

ماده ۱۲۵ لایحه، اختیارات مدیرعامل را محدود به میزانی که توسط هیأت مدیره به او اعطاء می‌شود می‌داند ولی ماده ۱۱۸ لایحه صرفاً راجع به هیأت مدیره است.

(آزمون ۱۳۸۸)

۳۱- شرکت سهامی چه زمانی شخصیت حقوقی پیدا می‌کند؟

الف) پس از تعهد کلیه سهام شرکت

ب) پس از قبول سمت مدیران و بازرسان

ج) پس از ثبت و اعلان در جراید

د) پس از ثبت و اعلان در روزنامه رسمی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۳۲- انتخاب اولین مدیران شرکت سهامی (آزمون ۱۳۹۱)

الف) در مجمع عمومی مؤسس صورت می‌پذیرد

ب) خاص لزوماً در مجمع عمومی مؤسس صورت می‌پذیرد

ج) خاص ممکن است در مجمع عمومی مؤسس صورت پذیرد

د) عام باید در صورتجلسه‌ای قید و به امضاء کلیه سهامداران برسد

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۲۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۰- برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود.

۱- اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.

۲- اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهی‌نامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیرنقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.

۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۴- قبول سیمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده (۱۷).

۵- ذکر نام روزنامه کنیرالانتشاری که هر گونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره- سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل ثبت شرکت‌های سهامی عام مقرر است در مورد شرکت‌های سهامی خاص لازم‌الرعایه نخواهد بود.

۳۳- انتخاب نخستین گروه از مدیران و بازرسان در شرکت انجام می‌گیرد. (آزمون ۱۳۹۲)

الف) سهامی عام و خاص به اتفاق و در مجمع عمومی مؤسس

ب) سهامی عام و خاص در مجمع عمومی مؤسس با دو سوم آراء حاضر

ج) سهامی خاص با اکثریت آراء مطلق مؤسسين و سهامی عام با دو سوم آراء حاضر مجمع عمومی مؤسس

د) سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس با دو سوم آراء حاضر و در شرکت سهامی خاص به اتفاق آراء مؤسسين

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۱۷، ۲۰، ۷۴ و ۷۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۳۴- مؤسسين شرکت سهامی نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رساندن شرکت انجام می‌دهند:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) مسؤولیت تضامنی دارند.

ب) مسؤولیت ندارند.

ج) مسؤولیت فردی دارند.

د) مسؤولیت آنان بعد از ثبت شرکت‌ها شروع می‌شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۳ مقرر می‌دارد: «مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند،

مسؤولیت تضامنی دارند.»

۳۵- مسؤولیت مؤسسين شرکت سهامی نسبت به اعمال و اقداماتشان به منظور تأسیس و ثبت شرکت چگونه است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) تضامنی (ب) به نسبت مبلغ پذیره نویسی شده

ج) به تساوی (د) به نسبت سهام

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۳ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

www.Magazine.Shme.ir

مبحث ششم: سهام

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۳۶- در شرکت‌های سهامی مسؤولیت صاحبان سهام محدود است به

الف) مبلغ اسمی سهام

ب) مبلغ واقعی سهام

ج) مبلغی که مدیرعامل تعیین می‌کند.

د) مبلغی که مجمع عمومی فوق‌العاده تعیین می‌کند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۴ مقرر می‌دارد: «سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱- سهم ممکن است با نام یا بی‌نام باشد.

تبصره ۲- در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.»

۳۷- اگر مبلغ پرداخت نشده سهام شرکت سهامی ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه نشود، هر ذینفع حق خواهد داشت که تقلیل سرمایه شرکت را تا میزان پرداخت شده از..... تقاضا کند.

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه (ب) مجمع عمومی عادی

ج) مجمع عمومی فوق‌العاده (د) هیأت مدیره

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۳ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷:

ماده ۳۳ مقرر می‌دارد: «مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر اینصورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

تبصره- مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.

(آزمون ۱۳۸۸)

۳۸- مطابق قانون تجارت در شرکت‌های سهامی انتقال سهام با نام چگونه صورت می‌گیرد؟

الف) با ثبت در دفتر سهام شرکت (ب) با سند رسمی

ج) با قبض و اقباض (د) با پشت نویسی ورقه سهام

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷:

ماده ۴۰ مقرر می‌دارد: «انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند. در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.»

(آزمون ۱۳۸۹)

۳۹- کدام مورد ذیل صحیح است؟

الف) در شرکت‌های سهامی خاص نقل و انتقال سهام بانام در اداره ثبت شرکتها به عمل می‌آید.

ب) در شرکت‌های سهامی خاص نقل و انتقال سهام بانام بدون دخالت اداره ثبت شرکتها و توسط خود شرکت صورت می‌گیرد.

ج) در مورد شرکت‌های سهامی خاص نقل و انتقال سهام بانام پس از ثبت در دفاتر شرکت، در اداره ثبت شرکتها ثبت و آگهی می‌شود.

د) در شرکت‌های سهامی خاص نقل و انتقال سهام بانام پس از تنظیم سند رسمی در دفترخانه اسناد رسمی، در اداره ثبت شرکتها ثبت و آگهی می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت:

۴۰- عدم انعکاس واگذاری سهام شرکت‌های سهامی در دفتر ثبت سهام: (آزمون ۱۳۹۲)

الف) موجب بطلان انتقال و عدم استناد به آن می‌باشد.

ب) در مقابل ثالث و شرکت بی اعتبار ولی در رابطه طرفین معتبر می‌باشد.

ج) در هر حال بی اعتبار است مگر آنکه اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

د) موجب غیرنافذ بودن عمل حقوقی بوده و اعتبار آن مشروط به تنفیذ هیأت مدیره است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۴۱- در کدامیک از شرکت‌های ذیل انتقال سهام یا سهم‌الشرکه را نمی‌توان موکول به موافقت مدیران یا مجامع عمومی شرکت

(آزمون ۱۳۸۴)

نمود؟

الف) شرکت تضامنی ب) شرکت سهامی خاص

ج) شرکت سهامی عام د) شرکت با مسئولیت محدود

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۴۲- کدام گزینه صحیح است؟

الف) در شرکت‌های سهامی عام و خاص نقل و انتقال سهام نمی‌تواند منوط به موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام باشد.

ب) در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام می‌تواند منوط به موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام باشد ولی در شرکت‌های سهامی خاص نمی‌تواند.

ج) در شرکت‌های سهامی چه عام و چه خاص نقل و انتقال سهام می‌تواند منوط به موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام باشد.

د) در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند منوط به موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام باشد ولی در شرکت سهامی خاص می‌تواند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۴۳- شرکت سهامی خاص می‌تواند شرکت، سهام ممتاز ترتیب دهد. (آزمون ۱۳۹۱)

الف) با تصویب کلیه سهامداران

ب) با تصویب بیش از نصف سهامداران

ج) فقط با تصویب مجمع عمومی

د) با تصویب دارندگان بیش از نصف سهام

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۴۲ مقرر می‌دارد: «هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این‌گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به علاوه یک این‌گونه سهام انجام گیرد.»

رجوع شود به مواد ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۹۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.

(آزمون ۱۳۸۰)

۴۴- هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز منوط به تصویب:

الف) هیأت مؤسس است. ب) هیأت مدیره شرکت است.

ج) مجمع عمومی عادی است.

د) {مجمع عمومی فوق العاده شرکت است.} ^۱

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۴۲ مقرر می دارد: «... هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.»

تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز و نیز تغییر در اساسنامه در اختیار مجمع عمومی فوق العاده می باشد. (د.م.چیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۱۳۳)

مبحث ششم: تبدیل سهام

۴۵- در شرکت های سهامی تغییر و تبدیل سهام از با نام به بی نام در صلاحیت کدام رکن است؟

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) مجمع عمومی عادی

ب) مجمع عمومی فوق العاده

ج) هیأت مدیره

د) مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۴۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۴۳ مقرر می دارد: «هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را به سهام با نام و یا آنکه سهام با نام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید برطبق مواد زیر عمل کند.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۴۶- برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام مراتب:

الف) دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار منتشر و مهلتی که نباید کمتر از سه ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه نمایند.

ب) فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های شرکت در آن منتشر می گردد و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه نمایند.

ج) دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار منتشر و مهلتی که نباید کمتر از یک ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه نمایند.

د) یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار منتشر و مهلتی که نباید کمتر از یک ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه نمایند.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۴۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۴۷ مقرر می دارد: «برای تبدیل سهام بانام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام به شرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و ابطال و سهام بی نام به آنها داده شود.»

مبحث هفتم: اوراق قرضه

^۱ در متن اصلی، عبارت «مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده است.» درج شده که با متن ماده ۴۲ قانون تجارت مغایرت دارد.

۴۷- انتشار اوراق قرضه در صورتی ممکن است که:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) از تاریخ ثبت شرکت دو سال گذشته باشد.

ب) کلیه سرمایه شرکت تأدیه شده باشد.

ج) از تاریخ ثبت شرکت دو سال گذشته و کلیه سرمایه شرکت تأدیه و دو ترازنامه به تصویب هیأت مدیره رسیده باشد.

د) از تاریخ ثبت شرکت دو سال گذشته و کلیه سرمایه ثبت شده تأدیه و دو ترازنامه شرکت به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۵۵ مقرر می‌دارد: «انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.»

کلیه صدور اوراق قرضه قبل از مواعد مذکور در ماده ۵۵ قانون فوق‌الذکر جرم بوده و مجازات آن جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال می‌باشد.

۴۸- انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که:

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و در ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد.

ب) نصف سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و ۳ سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد.

ج) کلیه سرمایه شرکت تأدیه و ۳ سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد.

د) کلیه سرمایه ثبت شرکت تأدیه شده و ۲ سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی {عادی} رسیده باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

(آزمون ۱۳۸۳)

۴۹- هرگاه اوراق قرضه در اساسنامه شرکت سهامی پیش‌بینی نشده باشد:

الف) در این صورت انتشار اوراق قرضه با تغییر اساسنامه امکان‌پذیر خواهد بود.

ب) مجمع عمومی عادی به پیشنهاد هیأت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب می‌نماید.

ج) مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب می‌نماید.

د) مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد مدیرعامل انتشار اوراق قرضه را تصویب می‌نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۵۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش‌بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام می‌تواند بنا به پیشنهاد هیأت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می‌تواند به هیأت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره- در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.»

(آزمون ۱۳۸۳)

۵۰- کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیان‌های وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی و یا تقلیل عده سهام شود:

الف) شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق قرضه خود دریافت می‌دارند، می‌گردد.

ب) شامل سهامی که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق قرضه خود دریافت می‌دارند، می‌گردد.

ج) شامل سهامی که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق قرضه خود دریافت می‌دارند، نمی‌گردد.

۲. در متن اصلی، کلمه «عادی» از قلم افتاده است.

د) هیچکدام از عبارات فوق صحیح نیست.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۶۵ مقرر می‌دارد: «از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ {مجمع عمومی فوق‌العاده} تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه شرکت نمی‌تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آنرا از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیان-های وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت می‌دارند می‌گردد و چنین تلقی می‌شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده‌اند.»

۵۱- اوراق مشارکت: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) تنها در نظریه شورای نگهبان پذیرفته شده و به صورت رویه بانک‌ها در آمده است.

ب) در کنار اوراق قرضه و به موجب قانون خاص جزء ابزارهای مالی محسوب می‌شود.

ج) در قانون خاص پیش‌بینی شده و در صورت تعارض، مقررات اوراق قرضه را نسخ نموده است.

د) در لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ پیش‌بینی و جایگزین اوراق قرضه شده است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلیه اولین تعریف قانونی از اوراق مشارکت در تبصره ۸۵ قانون برنامه دوم توسعه مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ آمده است. به موجب این تبصره وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اجازه یافت مبادرت به صدور اوراق مشارکت کند. قسمت ب تبصره فوق مقرر می‌کند که: «اوراق مشارکت اوراق بهاداری است که به قیمت اسمی مشخص منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرح‌های زیربنایی، تولیدی و ساختمانی را دارند، به فروش می‌رسد. خریداران این اوراق به نسبت قیمت اسمی در سود حاصل از اجرای طرح‌ها (های) مزبور شریک خواهند شد.»

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰ که همان تعریف تبصره ۸۵ قانون برنامه دوم توسعه را برای اوراق موضوع خود می‌آورد، دو توضیح به آن اضافه می‌کند. به موجب ماده ۲ این قانون «اوراق مزبور می‌تواند بانام یا بی‌نام باشند و برای مدت معینی منتشر می‌شوند» همین معنی در مواد ۱ و ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۷/۵/۱۸ تکرار می‌شود. برخلاف قانون برنامه دوم توسعه که انتشار اوراق مشارکت را تنها برای وزارت مسکن در نظر گرفته بود، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰ و آیین‌نامه اجرایی آن، شرکت‌های سهامی را نیز مجاز به انتشار این اوراق می‌کند، اما در عمل شرکت‌های سهامی اجازه انتشار این اوراق را پیدا نمی‌کنند، مگر با تصویب قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ماده ۱۷ این قانون انتشار اوراق مشارکت را تنها برای شرکت‌های پذیرفته در بورس و با مجوز بورس اوراق بهادار پذیرفته است. آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون اخیرالذکر، با وجود تعریف این اوراق در قانون عام نحوه انتشار اوراق مشارکت لازم دیده است مجدداً اوراق مشارکت را تعریف کند: «اوراق مشارکت: اوراق بهادار بانامی است که با مجوز بورس به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین جهت تأمین بخشی از منابع مالی موردنیاز طرح‌های نوسازی و توسعه شرکت‌های پذیرفته در بورس منتشر می‌شود» (بند د از ماده ۱ آیین‌نامه) «دارندگان اوراق مشارکت به نسبت قیمت اسمی و در طی مدت زمان مشارکت در مجموعه منافع حاصل از اجرای طرح‌های مربوط سهم خواهند بود» (ماده ۵ آیین‌نامه). از مجموع متون قانونی و آیین‌نامه فوق می‌توان عناصر تشکیل‌دهنده تعریف اوراق مشارکت را به شرح زیر مشخص نمود:

۱) اوراق مشارکت از مصادیق اوراق بهادارند؛

۲) اوراق مشارکت می‌تواند بانام یا بی‌نام باشند؛

۳) اوراق مشارکت با قیمت اسمی معین انتشار می‌یابند؛

۴) اوراق مشارکت متضمن حق صاحب ورقه به قسمتی از سودی هستند که از پروژه اجرایی ناشر (دولت یا شرکت سهامی) حاصل می-شود.

با توجه به این عناصر می توان گفت که اوراق مشارکت به اوراق بهادار بانام یا بی نامی گفته می شود که دارای ارزشی اسمی معین و متضمن قسمتی از سود کلی است که از پروژه اجرایی ناشر (دولت یا شرکت سهامی) حاصل می شود.

۵۲- در مورد اوراق مشارکت که توسط شرکت های سهامی عام صادر می گردد کدام گزینه درست است: (آزمون ۱۳۹۲)

الف) سود اوراق مشارکت و سود سهام مساوی است.

ب) سود اوراق مشارکت و سود سهام ممکن است مساوی باشد.

ج) سود اوراق مشارکت همواره از سود سهام بیشتر است.

د) سود اوراق مشارکت همواره از سود سهام کمتر است.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

مبحث هشتم: مجامع عمومی

۵۳- تغییر و اصلاح طرح اساسنامه با چه مرجعی است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) مجمع عمومی فوق العاده

ب) مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

ج) مجمع عمومی مؤسس

د) مجمع عمومی عادی

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق بند (۲) ماده ۷۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۷۴ مقرر می دارد: «وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

... ۲- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن...»

(آزمون ۱۳۸۶)

۵۴- در مجمع عمومی مؤسس شرکت سهامی:

الف) حضور دارندگان حداقل نصف صاحبان سهامی که حق رأی دارند ضروری است.

ب) حضور دارندگان حداقل بیش از نصف صاحبان سهامی که حق رأی دارند ضروری است.

ج) حضور دارندگان حداقل یک سوم صاحبان سهامی که حق رأی دارند ضروری است.

د) حضور دارندگان حداقل دو سوم صاحبان سهامی که حق رأی دارند ضروری است.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۷۵ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۷۵ مقرر می دارد: «در مجمع عمومی مؤسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند

ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت می شوند

مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری

که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقل یک سوم سرمایه

شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که

در مجمع عمومی یک سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند.

تبصره- در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.»

۵۵- هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين شرکت سهامی آورده غیرنقدی داشته باشند ارزیابی آورده‌های غیرنقدی برعهده چه

(آزمون ۱۳۸۵)

مرجعی است؟

الف) کارشناس رسمی دادگستری و مجمع عمومی مؤسس

ب) کارشناس رسمی دادگستری

ج) حاضرین در مجمع عمومی مؤسس به غیر از مؤسسين

د) مجمع عمومی مؤسس

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۷۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۷۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غیرنقدی داشته باشند، مؤسسين باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقدی جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسين برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.»

(آزمون ۱۳۸۰)

۵۶- انحلال و کاهش و یا افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی:

الف) از اختیارات مجمع عمومی عادی است.

ب) از اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده است.

ج) از اختیارات مجمع عمومی مؤسس است.

د) هر یک از مجامع عمومی و فوق‌العاده می‌توانند نسبت به آنها اتخاذ تصمیم نمایند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۸۳، ۱۶۱، ۱۸۹ و ۱۹۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

(آزمون ۱۳۸۵)

۵۷- وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده عبارت است؟

الف) انتخاب هیأت مدیره مدیر عامل

ب) انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت

ج) انتخاب هیأت مدیره، بازرسان تصویب ترازنامه شرکت

د) افزایش و کاهش سرمایه و انحلال قبل از موعد شرکت

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۸۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۸۳ مقرر می‌دارد: «هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.»

www.Magazine.Shme.ir

(آزمون ۱۳۸۶)

۵۸- کدام یک از موارد ذیل در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی نیست؟

الف) تصویب اساسنامه

ب) تغییر در مواد اساسنامه

ج) افزایش سرمایه شرکت

د) انحلال شرکت

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۸۳ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۵۹- شرکت سهامی خاص می‌تواند با تصویب مجمع عمومی و رعایت سایر شرایط مربوط، به شرکت سهامی عام تبدیل

شود. (آزمون ۱۳۹۱)

الف) فوق‌العاده

ب) فوق العاده یا مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

ج) عادی به طور فوق العاده

د) فوق العاده که لزوماً با حضور تمام سهامداران تشکیل شود.

گزینه «الف» صحیح می باشد. مطابق مواد ۸۳ و ۲۷۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۷۸ مقرر می دارد: «شرکت سهامی خاص در صورتی می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که، اولاً: موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد، ثانیاً: سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت های سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد، ثالثاً: دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً، اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.»

۶۰- در شرکت سهامی خاص، نصاب جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده عبارت است از: (آزمون ۱۳۹۱)

الف) حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند.

ب) حضور دارندگان بیش از نصف سرمایه شرکت.

ج) حضور بیش از نصف دارندگان سهامی که حق رأی دارند.

د) نصف به علاوه یک سهامداران شرکت.

گزینه «الف» صحیح می باشد. مطابق ماده ۸۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۸۴- در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

که در مجامع تعداد افراد ملاک نیست بلکه میزان سهام ملاک قرار می گیرد.

۶۱- در اولین مجمع عمومی عادی شرکت های سهامی رسمیت یافتن جلسه مجمع منوط است به حضور حداقل (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) بیش از نصف صاحبان سهام دارای حق رأی

ب) دو سوم صاحبان سهام مذکور

ج) هر تعدادی که باشند.

د) بیست درصد صاحبان سهام مذکور

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق صدر ماده ۸۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۸۷ مقرر می دارد: «در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلماً بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.»

۶۲- معیار رأی گیری در مجمع عمومی عادی شرکت سهامی و در شرکت مسئولیت محدود می باشد.

الف) میزان آرای حاضر - میزان آرای حاضر

ب) تعداد سهامداران حاضر - تعداد شرکای حاضر

ج) اکثریت آرای حاضر - دارندگان بیش از نیمی از کل سرمایه شرکت

د) دارندگان بیش از نیمی از کل سرمایه شرکت - اکثریت آرای حاضر

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۸۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛ و ماده ۱۰۶ ق.ت. ماده ۸۸ لایحه- در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

ماده ۱۰۶- تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد، اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۶۳- سود قابل تقسیم در شرکت سهامی به موجب مصوبه تقسیم می‌شود.

الف) مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده (ب) مجمع عمومی مؤسس

ج) مجمع عمومی عادی (د) مجمع عمومی فوق‌العاده

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۹۰ مقرر می‌دارد: «تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۶۴- ترکیب هیأت ریسه مجمع عمومی در شرکت سهامی چگونه است؟

الف) یک رییس و یک ناظر (ب) یک رییس، دو ناظر و دو منشی

ج) یک رییس، دو ناظر و یک منشی (د) یک رییس، یک ناظر و یک منشی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۱۰۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۰۱ مقرر می‌دارد: «مجامع عمومی توسط هیأت ریسه‌ای مرکب از یک رییس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود...»

مبحث نهم: هیأت مدیره

(آزمون ۱۳۸۰)

۶۵- مدیران شرکت توسط انتخاب می‌شوند.

الف) مجمع عمومی فوق‌العاده (ب) مجمع عمومی عادی

ج) مجمع عمومی مؤسس (د) مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۰۸ مقرر می‌دارد: «مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند.»

۶۶- چنانچه هیأت مدیره شرکت تعاونی، ظرف مدت حداکثر یک‌ماه نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام نکند، می‌تواند نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام نماید.

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) یک پنجم اعضاء (ب) یک سوم اعضاء

ج) وزارت تعاون (د) هر یک از اعضاء

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰؛

ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۲- در صورتی که هیأت مدیره ظرف مدت حداکثر یک‌ماه نسبت به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام ننماید، وزارت تعاون نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام می‌نماید.»

۶۷- اگر شخصیت حقوقی که سهام شرکت دیگری است به عنوان عضو هیأت مدیره آن شرکت انتخاب شود، چه کسی مسؤول

(آزمون ۱۳۸۴)

انجام وظایف مربوط خواهد بود؟

الف) مدیرعامل

ب) رییس هیأت مدیره

ج) اصولاً انتخاب شخص حقوقی به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت‌های دیگر امکان‌پذیر نیست.

د) یک نفر شخص حقیقی که به عنوان نماینده دائم شخص حقوقی مذکور به شرکت معرفی می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۱۱۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۱۰ مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسؤولیت-

های مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی

نماید...»

۶۸- انتخاب شخص حقوقی به سمت مدیریت عامل و یا به سمت عضو هیأت مدیره در یک شرکت سهامی: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) انتخاب شخص حقوقی چه به عنوان عضو هیأت مدیره و چه به عنوان مدیرعامل ممکن نیست.

ب) انتخاب شخص حقوقی به عضویت هیأت مدیره ممکن است به شرط اینکه لزوماً یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام

وظایف مدیریت معرفی کند اما انتخاب شخص حقوقی به سمت مدیرعاملی ممکن نیست.

ج) انتخاب شخص حقوقی چه به عنوان عضو هیأت مدیره و چه به عنوان مدیرعامل هیچ‌گونه منع قانونی ندارد.

د) انتخاب شخص حقوقی به عضویت هیأت مدیره و یا مدیریت عامل ممکن است به شرط اینکه لزوماً یک نفر را به عنوان نماینده

دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت عامل و با عضویت هیأت مدیره معرفی کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱۰ و ۱۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛

ماده ۱۱۰ مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسؤولیت-

های مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی

نماید. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسؤولیت‌های مدنی و جزایی عضو هیأت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص

حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسؤولیت تضامنی خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیأت مدیره می‌تواند نماینده

خود را عزل کند به شرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می‌شود.»

ماده ۱۲۴ مقرر می‌دارد: «هیأت مدیره باید اقلأً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت

تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیرعامل عضو هیأت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در

هیأت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رییس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه

چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.

تبصره- هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید.»

(آزمون ۱۳۸۸)

۶۹- انتخاب اشخاص حقوقی به عنوان مدیر شرکت‌های سهامی:

الف) فقط در موارد خاص امکان‌پذیر است.

ب) در هر حال امکان‌پذیر است.

ج) به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست.

د) در صورت تصویب مجمع عمومی فوق العاده امکان پذیر است.

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۱۰ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

که در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، هرکجا از مدیران نامی برده شده منظور اعضای هیأت مدیره است و اشاره به مدیرعامل در کنار مدیران، جایگاه مدیرعامل را محدود به معنای لغوی واژه یعنی مدیر کارگزار هیأت مدیره نموده است. (پاسبان، دکتر محمد رضا، حقوق شرکت های تجاری، صفحه ۱۷۴)

(آزمون ۱۳۸۷ - مرکز)

۷۰- در یک شرکت سهامی، سهام وثیقه:

الف) سهامی هستند که توسط مدیران برای تضمین خساراتی که ممکن است از تقصیرات آنها به شرکت وارد شود، در صندوق شرکت به وثیقه گذاشته می شوند.

ب) سهامی هستند که سهامدار بابت تضمین بدهی خود به شرکت، آنها را در صندوق شرکت وثیقه می گذارد.

ج) سهامی هستند که طلبکاران سهامداران شرکت، آنها را به وثیقه گرفته اند.

د) سهامی هستند که شرکت بابت تضمین بدهی های خود، آنها را به وثیقه می گذارد.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛

ماده ۱۱۴ مقرر می دارد: «مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاد حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.»

(آزمون ۱۳۹۲)

۷۱- کدام گزینه صحیح است:

الف) لاقل یک شریک شرکت تضامنی باید تاجر باشد.

ب) همه شرکای شرکت تضامنی ممکن است شرک تجارتي باشند.

ج) لاقل یک شریک شرکت تضامنی باید شخص حقیقی باشد.

د) همه شرکای شرکت تضامنی باید شخص حقیقی باشند.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق ماده ۱۱۶ قانون تجارت؛

۷۲- محدود کردن اختیارات مدیرعامل شرکت سهامی در مصوبات هیأت مدیره

(آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

الف) نسبت به اشخاص ثالث معتبر است.

ب) نسبت به اشخاص ثالث معتبر نیست.

ج) در روابط بین شرکت و مدیرعامل معتبر است و در برابر اشخاص ثالث معتبر نیست.

د) در روابط هیأت مدیره و مدیرعامل معتبر و در برابر اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۱۸ مقرر می دارد: «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.»

۹۸ رجوع کنید به دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۲۹۸.

۷۳- انتخاب کدام یک از موارد ذیل از میان اشخاص خارج از سهامداران شرکت سهامی امکان پذیر است؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) مدیرعامل (ب) رییس هیأت مدیره

ج) نائب رییس هیأت مدیره (د) هیچکدام

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق صدر ماده ۱۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۲۴ مقرر می دارد: «هیأت مدیره باید اقلأ یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند...»

۷۴- مدیرعامل شرکت سهامی: (آزمون ۱۳۸۶)

الف) می تواند رییس هیأت مدیره نیز باشد.

ب) می تواند مدیرعامل شرکت سهامی دیگری نیز باشد.

ج) می تواند با تصویب اکثریت حاضر در مجمع رییس هیأت مدیره نیز باشد.

د) فقط با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع می تواند رییس هیأت مدیره نیز باشد.

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۲۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۲۴ مقرر می دارد: «هیأت مدیره باید اقلأ یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیأت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیأت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رییس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.

تبصره- هیأت مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نماید.»

۷۵- در یک شرکت سهامی، در آن واحد انتخاب یک نفر هم بعنوان مدیرعامل و هم بعنوان رییس هیأت مدیره: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) ممکن است بشرط اینکه مجمع عمومی عادی با سه چهارم آراء حاضر در جلسه، انتخاب او به این دو سمت در هیأت مدیره را تصویب کند.

ب) ممکن است بشرط اینکه مجمع عمومی عادی هم به اتفاق آراء با انتخاب او به این سمت رأی مثبت بدهد.

ج) ممکن است به شرط اینکه تمام اعضای هیأت مدیره به انتخاب او به این دو سمت رأی مثبت دهند.

د) اساساً و مطلقاً ممکن نیست.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛

۷۶- تاجر ورشکسته به عنوان مدیرعامل یک شرکت سهامی خاص انتخاب شده است. در این حالت، تصمیمات وی معتبر است. (آزمون ۱۳۹۱)

الف) فقط در مقابل اشخاص ثالث (ب) در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث

ج) فقط در مقابل صاحبان سهام (د) فقط در مقابل هیأت مدیره همان شرکت

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق مواد ۱۲۶ و ۱۳۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۲۶- اشخاص مذکور در ماده (۱۱۱) نمی توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسؤولیت های سیمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده ۱۳۵- کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.
رجوع شود به ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.

(آزمون ۱۳۸۴)

۷۷- معامله اعضای هیأت مدیره شرکت با همان شرکت:

الف) باطل است.

ب) فقط بایستی به تصویب هیأت مدیره برسد.

ج) بایستی به تأیید هیأت مدیره و بازرس شرکت برسد.

د) علاوه بر تصویب هیأت مدیره بایستی به تصویب مجمع عمومی شرکت نیز برسد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۲۹، ۱۳۰ و ۱۳۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۲۹ مقرر می‌دارد: «اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود بطور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیأت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت»

ماده ۱۳۰ مقرر می‌دارد: «معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسؤول جبران خسارات وارده معامله به شرکت می‌باشند»

ماده ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسؤولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیأت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد»

ک معامله اعضای هیأت مدیره شرکت با همان شرکت علاوه بر تصویب هیأت مدیره بایستی به تصویب مجمع عمومی شرکت برسد.

(آزمون ۱۳۸۹)

۷۸- در شرکت‌های سهامی:

الف) مدیران مطلقاً حق انجام معامله شخصی با شرکت تحت مدیریت خود را ندارند.

ب) مدیران به شرط رعایت صرفه و صلاح و پس از اخذ مجوز از مجمع عمومی حق انجام معامله یا شرکت تحت مدیریت خود را دارند.

ج) مدیران به شرط رعایت صرفه و صلاح شرکت و با نظارت و اجازه بازرس حق انجام معامله با شرکت تحت مدیریت خود را دارند.
د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۷۹- طبق آیین‌نامه داخلی شرکت «الف» کلیه کارکنان شرکت می‌توانند وام ضروری دریافت نمایند، در این صورت: (آزمون ۱۳۸۴)
الف) مدیرعامل و اعضای موظف هیأت مدیره حق استفاده از این وام را ندارند.

ب) مدیرعامل می‌تواند از این وام استفاده کند ولی اعضای موظف هیأت مدیره حق استفاده از آن را ندارند.

ج) مدیرعامل نمی‌تواند از این وام استفاده کند ولی اعضای موظف هیأت مدیره حق استفاده از آن را دارند.

د) اعضای موظف هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که کارکنان شرکت محسوب می‌شوند نیز حق استفاده از این وام را دارند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۱۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۳۲ مقرر می‌دارد: «مدیرعامل شرکت و اعضاء هیأت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین و تعهد کند...»

۸۰- چنانچه زیان‌های وارده در شرکت سهامی موجب از بین رفتن ۶۰٪ سرمایه شود: (آزمون ۱۳۸۹)

الف) مجمع عمومی فوق‌العاده باید تشکیل شود و شرکت را منحل کند یا سرمایه را به میزان موجود کاهش دهد.

ب) هیأت مدیره باید با کسب مجوز از مجمع عمومی عادی نسبت به ترمیم سرمایه تا میزان مقرر قانونی اقدام نماید.

ج) سهامداران به نسبت سهامشان باید ظرف ۶۰ روز سرمایه از دست رفته را تا حد سرمایه ثبت شده نقداً به شرکت پرداخت نمایند.

د) مجمع عمومی فوق‌العاده باید بلافاصله جهت تکمیل و ترمیم سرمایه از بین رفته افزایش سرمایه را تا حد سرمایه ثبت شده تصویب نماید.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۴۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۴۱ مقرر می‌دارد: «اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد.

در صورتی که هیأت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفعی می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.»

۸۱- مدیران شرکت سهامی در مقابل اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات اساسنامه شرکت مسؤول می‌باشند. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) متضامناً
ب) مشترکاً
www.Magazine.Shme.ir

ج) منفرداً
د) منفرداً یا مشترکاً

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۴۲ مقرر می‌دارد: «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی با اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسؤول می‌باشند و دادگاه حدود مسؤولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.»

کلیه مسؤولیت مدیران و مدیرعامل شرکت، مسؤولیت قانونی است.

۸۲- مدیران شرکت سهامی در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت و یا مصوبات

(آزمون ۱۳۸۶)

مجمع عمومی

الف) مسؤولیت تضامنی دارند.

ب) مسؤولیت نسبی دارند.

ج) مشترکاً و به طور مساوی مسؤول جبران خسارات وارده هستند.

د) حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسؤول می‌باشند و دادگاه مسؤولیت هر یک را مشخص می‌کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۸۳- کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) مدیرعامل شرکت تنها با مصوبه مجمع عمومی عادی حق اخذ وام از شرکت برای خود دارد.

ب) مدیرعامل در حدود اختیارات تفویضی توسط مجمع عمومی عادی نماینده شرکت محسوب شده و حق امضاء دارد.

ج) در صورتی که شخصی مدیریت عاملی بیش از یک شرکت را عهده‌دار باشد به حکم دادگاه از سمت خود عزل و کلیه اقدامات او ابطال می‌گردد.

د) مدیرعامل شرکت در صورت تخلف از مقررات قانونی و اساسنامه در مقابل شرکت و اشخاص ثالث حسب مورد مسؤولیت انفرادی و اشتراکی دارد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۸۴- در صورتی که شرکت سهامی ورشکست شود، مدیرانی که ورشکستگی شرکت معلول تخلف آنان است، مسؤول

پرداخت باقیمانده دیون شرکت هستند. (آزمون ۱۳۹۱)

الف) منفرداً

ب) منفرداً یا مشترکاً

ج) متضامناً

د) منفرداً یا متضامناً

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۱۴۲، ۱۴۳ و ۲۷۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۴۳ مقرر می‌دارد: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی

شرکت ممکن نیست محکوم نماید.»

ماده ۲۷۳ مقرر می‌دارد: «در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسؤول بطلان هستند متضامناً مسؤول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است.»

۸۵- طبق مقررات فعلی، مجمع عمومی عادی شرکت سهامی باید برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال

مالی قبل تشکیل شود. (آزمون ۱۳۹۱)

الف) ظرف مدت ۴ ماه از تاریخ پایان سال مالی شرکت

ب) ظرف مدت سه ماه از تاریخ پایان سال مالی شرکت

ج) ظرف مدت ده ماه از تاریخ پایان سال مالی شرکت

د) در هر موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده که ممکن است ۵ ماه یا بیشتر از پایان سال مالی شرکت باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۱۵۵ قانون مالیات‌های مستقیم

ماده ۱۵۵- سال مالیاتی عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند همان سال ختم می شود؛ لکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آن ها به موجب اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی کند درآمد سال مالی آن ها به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات قرار می گیرد و موعد تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و سررسید پرداخت مالیات آن ها چهارماه شمسی پس از سال مالی می باشد.

مبحث دهم: بازرسان

۸۶- بازرسان شرکت سهامی عام از جهت شرایط انتخاب مشمول: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ می باشند.

ب) آیین نامه اجرایی قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ۱۳۷۲ می باشند.

ج) موارد الف و ب می باشند.

د) قانون تجارت ۱۳۱۱ می باشند.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق قسمت اخیر ماده ۱۴۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۴۴- ...

تبصره- ... شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئین نامه ای می باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیون های اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

(آزمون ۱۳۸۴)

۸۷- چه افرادی را نمی توان به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب نمود؟

الف) مدیران و مدیرعامل شرکت

ب) اقربای نسبی و سببی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقات اول و دوم

ج) هر کس که خود یا همسرش از مدیران و مدیرعامل شرکت موظفاً حقوق دریافت نماید.

د) هر سه مورد

گزینه «د» صحیح می باشد. مطابق ماده ۱۴۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۴۷ مقرر می دارد: «اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

۱. اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون؛ {ممنوعیت مدیریت}

۲. مدیران و مدیرعامل شرکت؛

۳. اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم؛

۴. هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می دارد.»

۸۸- بازرس یا بازرسان شرکت سهامی در صورت اطلاع از وقوع جرمی توسط مدیران شرکت، در هنگام مأموریت باید: (آزمون ۱۳۸۳)

الف) به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ب) به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام کنند.

ج) هیأت مدیره را در جریان قرار دهند.

د) موارد الف و ب

گزینه «د» صحیح می باشد. مطابق ماده ۱۵۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۵۱ مقرر می‌دارد: «بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.»

۸۹- مجمع عمومی سالیانه شرکت بدون دریافت گزارش بازرس، صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نموده است، این مصوبه:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) پس از تصویب هیأت مدیره، قانونی خواهد شد.

ب) قانونی و معتبر است.

ج) به هیچ وجه قانونی نبوده و از درجه اعتبار ساقط است.

د) در صورت تصویب دو سوم حاضرین در جلسه هیأت مدیره، قانونی است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۵۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۵۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا براساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.»

۹۰- در صورتی که شرکت سهامی بازرس نداشته باشد، هر ذینفع می‌تواند از تقاضای تعیین بازرس نماید. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه ب) اداره ثبت شرکت‌ها

ج) مجمع عمومی مستقیماً د) هیأت مدیره بخواهد که از مجمع عمومی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۵۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۵۳ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتواند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رییس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رییس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.»

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۹۱- در شرکت سهامی، معاملات بازرس با شرکت

الف) بدون اجازه هیأت مدیره ممنوع است. ب) درست است.

ج) ممنوع است. د) بدون تصویب مجمع عمومی ممنوع است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۵۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۵۶ مقرر می‌دارد: «بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد بطور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شود.»

مبحث یازدهم: تغییرات در سرمایه شرکت

(آزمون ۱۳۸۱)

۹۲- در شرکت سهامی:

الف) هیأت مدیره می‌تواند سرمایه شرکت را افزایش دهد.

ب) اساسنامه ممکن است به هیأت مدیره اجازه افزایش سرمایه دهد.

ج) در صورت پیشنهاد مدیر عامل، هیأت مدیره می تواند نسبت به افزایش سرمایه شرکت اقدام کند.

د) مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که سرمایه شرکت را افزایش دهد.

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق مواد ۱۶۲ و ۱۶۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۶۲ مقرر می دارد: «مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز

کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.»

ماده ۱۶۴ مقرر می دارد: «اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.»

۹۳- در شرکت سهامی اختیار افزایش سرمایه را به هیأت مدیره بدهد. (آزمون ۱۳۸۲)

الف) اساسنامه می تواند. (ب) مجمع عمومی می تواند.

ج) مجمع عمومی نمی تواند. (د) مجمع ثبت شرکت ها می تواند.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق مواد ۱۶۲ و ۱۶۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۹۴- کدام مورد نمی تواند طبق اساسنامه در صلاحیت هیأت مدیره قرار گیرد؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) افزایش سرمایه

ب) تغییر محل قانونی شرکت

ج) تهیه و تصویب بودجه شرکت

د) تعیین حقوق و مزایای اعضای موظف هیأت مدیره

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۶۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۹۵- کاهش اختیاری سرمایه در شرکت سهامی از طریق کاهش صورت می گیرد. (آزمون ۱۳۸۳)

الف) تعداد سهام

ب) مبلغ اسمی سهام

ج) مبلغ اسمی سهام به نسبت تساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن

د) هر سه مورد

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق تبصره ماده ۱۸۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۸۹ مقرر می دارد: «... تبصره- کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می گیرد و کاهش اختیاری

سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت تساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد.»

کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام انجام می شود.

۹۶- کاهش سرمایه شرکت سهامی به چه نحو امکان پذیر نیست؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) کاهش اختیاری از طریق کاهش تعداد سهام

ب) کاهش اجباری از طریق کاهش تعداد سهام

ج) کاهش اجباری از طریق کاهش مبلغ اسمی سهم

د) کاهش اختیاری از طریق کاهش مبلغ اسمی سهم

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق تبصره ماده ۱۸۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

کاهش در این ماده به کاهش اختیاری از طریق کاهش تعداد سهام اشاره ای نشده است.

۹۷- خرید سهام شرکت سهامی عام و خاص توسط خود آن شرکت:

الف) ممنوع است.

ب) ممنوع نیست.

ج) در شرکت‌های سهامی عام ممنوع است ولی در شرکت‌های سهامی خاص ممنوع نیست.

د) هیچکدام از گزینه‌ها درست نیست.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹۸ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۱۹۸ مقرر می‌دارد: «خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.»

کج منع خرید سهم توسط خود شرکت مندرج در ماده ۱۹۸ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، را باید نسبت به

شرکت‌های مشمول قانون تجارت نیز مجری دانست. (کاویانی، دکترکورش، حقوق شرکت‌های تجاری، صفحه ۲۰۱)

مبحث دوازدهم: انحلال و تصفیه

۹۸- در صورتی که شرکت سهامی عام ظرف مدت یک سال از تاریخ هیچ اقدامی جهت انجام موضوع خود انجام نداده

باشد، هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه تقاضا کند.

الف) ثبت

ب) تشکیل

ج) انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی

د) تسلیم اظهارنامه توسط مؤسسين به مرجع ثبت شرکت‌ها

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۰۱ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد:

۱- در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.

۲- در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هریک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.

۳- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

www.Magazine.Shme.ir

۴- در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد..»

۹۹- مرجع اتخاذ تصمیم در مورد انحلال پیش از موعد شرکت سهامی کدام است؟

الف) مجمع عمومی فوق‌العاده

ب) مجمع عمومی عادی

ج) دادگاه صلاحیتدار

د) گزینه‌های الف و ج

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۲ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۰۲ مقرر می‌دارد: «در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.»

کج کانون وکلای دادگستری (اتحادیه) در سایت خود، گزینه «د» را صحیح اعلام کرده است.

۱۰۰- طرح دعوی علیه شرکت‌های منحل که عملیات تصفیه آنها خاتمه یافته است:

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) ممکن نیست.

ب) ممکن است.

ج) اگر مدیر تصفیه هنوز مفاسد حساب نگرفته باشد ممکن است.

د) اصولاً ممکن است مگر در موارد استثنایی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و مواد ۱۲۴ و ۱۵۲ قانون تجارت؛

ماده ۲۰۸ مقرر می‌دارد: «تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.»

کج پس از انحلال و تصفیه شرکت، شخصیت حقوقی آن پایان می‌پذیرد و هرگونه اقامه دعوی علیه شرکتی که موجودیت ندارد، قابل استماع نخواهد بود.

۱۰۱- آیا درخواست ورشکستگی بعد از انحلال شرکت امکان‌پذیر است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) خیر، چون بعد از انحلال شخصیت حقوقی شرکت از بین می‌رود.

ب) بله، چون شرکت تا ختم تصفیه دارای شخصیت حقوقی است.

ج) در شرکت‌های تضامنی امکان‌پذیر نیست.

د) در شرکت‌های سهامی امکان‌پذیر نیست.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

۱۰۲- در تصفیه اختیاری شرکت‌های تجاری، کدام یک از موارد زیر جزء وظایف و اختیارات متصدیان تصفیه محسوب نمی‌شود؟

(آزمون ۱۳۹۲)

www.Magazine.Shme.ir

الف) انجام معاملات جدید برای بازپرداخت کامل آورده شرکاء

ب) انجام معاملات جدید برای اجرای تعهدات شرکت

ج) وصول مطالبات از طریق طرح دعوا یا غیر آن

د) تقسیم دارایی شرکت بین شرکاء

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۲۰۸ و ۲۱۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و مواد ۲۰۷ الی ۲۰۹ قانون تجارت؛

۱۰۳- در تصفیه ارادی شرکت سهامی عام (آزمون ۱۳۹۱)

الف) طلبکاران شرکت و سهامداران بر یکدیگر تقدمی ندارند.

ب) فقط سهامداران ممتاز نسبت به طلبکاران شرکت دارای حق تقدم هستند.

ج) طلبکاران شرکت نسبت به سهامداران، دارای حق تقدم هستند.

د) طلبکاران شرکت و سهامداران به اندازه مبلغ اسمی سهم بر یکدیگر تقدمی ندارند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۲۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۲۴ مقرر می‌دارد: «پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون، دارایی شرکت بدواً به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.»

(آزمون ۱۳۸۰)

۱۰۴- تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام در مدت تصفیه در صورتی ممکن است که:

الف) بیش از نصف بستانکاران آن را درخواست و مدیر تصفیه نیز موافقت نماید.

ب) بستانکاران قبلاً بوسیله آگهی در سه نوبت دعوت شوند و از تاریخ آخرین آگهی سه ماه گذشته باشد.

ج) بیش از نصف بستانکاران آن را درخواست نمایند.

د) شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و در هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار که آگهی شرکت در آن منتشر می‌شود آگهی شده و لااقل ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۲۵ مقرر می‌دارد: «تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع به تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک‌ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش‌ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.»

۱۰۵- چنانچه تا اعلام ختم تصفیه شرکت سهامی برخی سهامداران یا بستانکاران برای استیفاء حقوق به شرکت مراجعه نمایند، وظیفه مدیر تصفیه چیست؟

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) کلیه وجوه باقی‌مانده را بین سهامداران حاضر تقسیم نماید.

ب) وجوه باقی‌مانده را به نام صاحبان آنها نزد بانک تودیع نماید.

ج) وجوه متعلق به سهامداران نزد بانک تودیع و وجوه مربوط به بستانکاران را بین سهامداران تقسیم نماید.

د) وجوه متعلق به بستانکاران را نزد بانک تودیع و وجوه متعلق به سهامداران را بین بستانکاران^۳ تقسیم نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۲۲۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۲۸ مقرر می‌دارد: «پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.»

^۳. در متن اصلی، اشتهاً به جای بستانکاران، کلمه «سهامداران» درج شده است.

مبحث سیزدهم: حساب‌های شرکت

۱۰۶- هیأت مدیره شرکت سهامی، باید پس از انقضای سال مالی، ترازنامه شرکت را تنظیم کند و به تسلیم نماید. (آزمون ۱۳۸۲)

الف) مجمع عمومی

ب) مدیرعامل

ج) بازرسان

د) مرجع ثبت شرکت‌ها

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۳۲ مقرر می‌دارد: «هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت‌داری و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقل‌بسیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.»

مبحث چهاردهم: مقررات مختلف مربوط به شرکت‌های سهامی

۱۰۷- در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت سهامی مسؤول خسارتی خواهد بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است. (آزمون ۱۳۸۲)

الف) مدیرعامل

ب) هیأت مدیره

ج) کسی که بطلان منتسب به اوست.

د) مدیرعامل و هیأت مدیره

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۷۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۷۳ مقرر می‌دارد: «در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسؤول بطلان هستند متضامناً مسؤول خسارتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است.»

۱۰۸- می‌توانند علیه هیأت مدیره شرکت سهامی اقامه دعوی نمایند و جبران خسارات وارده شده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) سهامداران به هر تعداد که باشند.

ب) سهامدارانی که از جهت عددی اکثریت مطلق داشته باشند.

ج) سهامدارانی که لااقل یک پنجم سهام شرکت را داشته باشند.

د) سهامدارانی که حداقل نصف مجموع سهام شرکت متعلق به آنها باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۷۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۲۷۶ مقرر می‌دارد: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رییس و اعضاء هیأت مدیره و یا مدیرعامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رییس یا بعضی از اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رییس یا هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم‌به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوا، پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات بر عهده آنان است.»

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۰۹- شرکت‌های دولتی علی‌الاصول:

الف) تابع قانون تجارت هستند.

ب) تابع اساسنامه و قوانین تأسیس خود هستند.

ج) تابع اساسنامه و قوانین تأسیس و در صورت سکوت این دو تابع لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت هستند.

د) تابع اساسنامه و قوانین تأسیس و در صورت سکوت این دو تابع قانون تجارت هستند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۰۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

ماده ۳۰۰ مقرر می‌دارد: «شرکت‌های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند.»

مبحث پانزدهم: شرکت با مسئولیت محدود

(آزمون ۱۳۸۴)

۱۱۰- برای تأسیس کدام یک از شرکت‌های ذیل وجود دو شریک کافی است؟

الف) شرکت سهامی عام ب) شرکت سهامی خاص

ج) شرکت با مسئولیت محدود د) هیچکدام

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۴ قانون تجارت؛

ماده ۹۴ مقرر می‌دارد: «شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسؤول قروض و تعهدات شرکت است.»

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۱۱۱- در شرکت با مسئولیت محدود شرکاء نسبت به قروض و تعهدات شرکت

الف) مسئولیت تضامنی دارند. ب) مسئولیت نسبی دارند.

ج) مسئولیت مشترک دارند. د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۴ قانون تجارت؛

۱۱۲- شرکت با مسئولیت محدود (الف) ثبت شده به شماره ۱۵۱۹ متعهد به پرداخت یک فقره سفته در حق (ب) می‌باشد. در

(آزمون ۱۳۸۹)

صورتی که دارایی شرکت کفاف پرداخت سفته را ندهد، کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

الف) شرکاء شرکت به نسبت سهم الشرکه خود مسؤول پرداخت وجه سفته می‌باشند.

ب) شرکاء شرکت به میزان آورده خود باید وجه سفته را پرداخت نمایند.

ج) مدیران شرکت بطور تضامنی با شرکت مسؤول پرداخت وجه سفته می‌باشند.

د) شرکاء شرکت هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال پرداخت وجه سفته نخواهند داشت.

www.Magazine.Shine.ir

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۴ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۰)

۱۱۳- شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که:

الف) پنجاه درصد سرمایه نقدی، تأدیه شده باشد.

ب) پنجاه درصد سرمایه نقدی تأدیه و سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

ج) تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

د) تمام سرمایه نقدی تأدیه شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۶ قانون تجارت؛

ماده ۹۶ مقرر می‌دارد: «شرکت با مسؤلیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.»

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۱۴- اگر تمام سرمایه نقدی شرکت با مسؤلیت محدود تأدیه نگردد،

الف) شرکت باطل است.

ب) فقط شریکی که سهم‌الشرکه‌اش را پرداخت نکرده، مسؤول تأدیه آن است.

ج) شرکت باطل است و شرکاء در مورد مبالغ پرداخت نشده، مسؤولیت تضامنی دارند.

د) شرکت باطل است و شریکی که سهم‌الشرکه خود را پرداخت نکرده نیز مسؤول تأدیه آن می‌باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۹۶ و ۱۰۰ قانون تجارت؛

ماده ۱۰۰ مقرر می‌دارد: «هر شرکت با مسؤولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.»

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۱۱۵- حداقل قانونی و مقرر سرمایه، برای تأسیس یک شرکت با مسؤولیت محدود:

الف) پنج میلیون ریال است.

ب) یک میلیون ریال است.

ج) محدودیتی ندارد.

د) به مقداری که اساسنامه پیش‌بینی کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۱۱۶- شرکاء نسبت به قیمت سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی در شرکت با مسؤولیت محدود در قبال اشخاص ثالث مسؤولیت تضامنی

(آزمون ۱۳۸۵)

دارند و مرور زمان ناشی از مقررات فوق چند سال پس از تاریخ تشکیل شرکت می‌باشد؟

الف) پنج

ب) هفت

ج) ده

د) پانزده

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۹۸ و ۹۹ قانون تجارت؛

ماده ۹۸ مقرر می‌دارد: «شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسؤولیت تضامنی دارند.»

ماده ۹۹ مقرر می‌دارد: «مرور زمان دعوای ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.»

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۱۷- کدام عبارت صحیح نمی‌باشد؟ تخصیصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

الف) مدت استفاده از حق تقدم در خرید سهام جدید در افزایش سرمایه شرکتهای سهامی کمتر از ۶۰ روز نخواهد بود.

ب) در شرکت‌های سهامی عام حداکثر یک دهم و در شرکت‌های سهامی خاص حداکثر یک دوم سود خالص به عنوان پاداش مدیران منظور می‌شود.

ج) فاصله بین نشر دعوت‌نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن در شرکت‌های سهامی حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

د) هیأت مدیره شرکت سهامی مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص را به عنوان اندوخته قانونی منظور نماید تا زمانی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت بالغ گردد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۳)

۱۱۸- انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسؤولیت محدود چگونه صورت می‌گیرد؟

الف) با موافقت هیأت مدیره

ب) فقط با تنظیم سند رسمی

ج) با ظهرنویسی دارنده سهم‌الشرکه

د) با موافقت اکثریت شرکایی که سه‌چهارم سرمایه را نیز داشته باشند و تنظیم سند رسمی

گزینه «د» صحیح می‌باشد. با جمع مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون تجارت؛

ماده ۱۰۲ مقرر می‌دارد: «سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم و یا بی‌اسم و غیره درآید سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.»

ماده ۱۰۳ مقرر می‌دارد: «انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۱۱۹- انتقال سهم‌الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود ممکن نیست مگر با حصول اکثریت ذیل:

الف) اکثریت عددی صاحبان سهم‌الشرکه

ب) دارندگان بیش از نیمی از سرمایه شرکت

ج) اکثریت عددی شرکاء که دارای بیش از سه ربع سرمایه شرکت هم باشند.

د) اکثریت عددی شرکاء که دارای بیش از نیمی از سرمایه شرکت هم باشند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۲ قانون تجارت؛

۱۲۰- در شرکت با مسؤولیت محدود، تعداد آرای هر شریک، است که در شرکت دارد (آزمون ۱۳۹۱)

الف) به تعداد سهمی - و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را مقرر کند.

ب) به نسبت سهمی - و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را مقرر کند.

ج) به تعداد سهمی - مگر در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

د) به نسبت سهمی - مگر در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۱۰۷ قانون تجارت؛

ماده ۱۰۷ مقرر می‌دارد: «هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۲۱- وجود بازرس در چه شرکت‌هایی که با حداقل تعداد شرکاء تشکیل شده‌اند الزامی نیست؟

الف) شرکت سهامی خاص ب) شرکت با مسؤولیت محدود

ج) شرکت سهامی عام د) شرکت تعاونی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۹ قانون تجارت؛

ماده ۱۰۹ مقرر می‌دارد: «هر شرکت با مسؤولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظر بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد. هیأت نظر باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است. هیأت نظارت می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت نماید. مقررات مواد ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت‌های با مسؤولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.»

ک) در شرکت با مسؤولیت محدود با حداقل شرکاء، الزامی به وجود بازرس نیست و اگر عده شرکاء بیشتر از ۱۲ نفر باشد باید دارای هیأت نظر باشد.

۱۲۲- مدیر یک شرکت با مسئولیت محدود که به موجب اساسنامه، بدون تصویب مجمع عمومی شرکاء مجاز به انجام عمل حقوقی بیش از پانصد میلیون ریال نبوده است، باعث انعقاد قراردادی به نمایندگی از شرکت تعهد به پرداخت مبلغ یک میلیارد ریال نموده است:

(۱۳۹۰)

الف) شرکت در برابر متعهدله هیچ مسئولیتی ندارد.

ب) مدیرعامل شخصاً مسؤول پرداخت مبلغ مورد تعهد می‌باشد.

ج) شرکت نسبت به کل مبلغ قرارداد در برابر متعهدله مسؤول پرداخت است.

د) شرکت تا میزان پانصد میلیون ریال مسؤول بوده و نسبت به مازاد آن معامله غیرنافذ است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

مبحث شانزدهم: شرکت تضامنی

۱۲۳- در شرکت‌های نسبی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم‌الشرکه خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت (آزمون ۱۳۸۵)

الف) یک سوم شرکاء

ب) دو سوم شرکاء

ج) اکثریت شرکاء

د) تمام شرکاء

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۲۳ و ۱۸۵ قانون تجارت؛

ماده ۱۲۳ مقرر می‌دارد: «در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء.»

ماده ۱۸۵ مقرر می‌دارد: «دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است.»

۱۲۴- در شرکت تضامنی انتقال سهم‌الشرکه: (آزمون ۱۳۸۶)

الف) با رضایت اکثریت شرکاء امکان‌پذیر است.

ب) با رضایت بیش از نصف شرکاء امکان‌پذیر است.

ج) با رضایت دوسوم از شرکاء امکان‌پذیر است.

د) با رضایت تمام شرکاء امکان‌پذیر است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲۳ قانون تجارت؛

۱۲۵- در کدام یک از شرکت‌های زیر، رضایت تمام شرکاء برای انتقال سهم یکی از شرکاء به دیگری، ضرورت قانونی دارد؟

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) شرکت سهامی خاص

ب) شرکت با مسئولیت محدود

ج) شرکت سهامی عام

د) شرکت تضامنی

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲۳ قانون تجارت؛

۱۲۶- در شرکت‌های تضامنی و نسبی آیا طلبکار شرکت می‌تواند به شرکاء برای وصول طلب خود مراجعه کند؟ (آزمون ۱۳۸۰)

الف) قبل از انحلال شرکت می‌تواند به هر کدام از شرکاء مراجعه نماید.

ب) قبل از انحلال شرکت حق مراجعه به شرکاء را ندارد.

ج) تا زمانی که شرکت منحل نشده، می‌تواند برای وصول طلب خود به بعضی از شرکاء شرکت مراجعه کند.

د) می‌تواند به شرکت و شرکاء توأمأ مراجعه نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۲۴ و ۱۸۷ قانون تجارت؛

ماده ۱۲۴ مقرر می‌دارد: «مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و...»

ماده ۱۸۷ مقرر می‌دارد: «مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید. فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.»

کلیه با توجه به اصول مسلم حقوق شرکت‌ها، طلبکاران بعد از انحلال شرکت می‌توانند به شرکاء مراجعه کنند. (د.مرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۳۴۵)

۱۲۷- هرگاه شرکت تضامنی منحل شود و دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند، طلبکاران: (آزمون ۱۳۸۳)

- الف) تا هنگام پرداخت طلب، طلبکاران شخصی شرکاء حق مراجعه به آنها را ندارند.
- ب) هر شریکی به میزان سهم خود در شرکت، مسؤول است، بی‌توجه به وجود یا عدم وجود طلبکار شخصی.
- ج) حق دارند بقیه طلب خود را از شریک ضامن مطالبه کنند و در این مورد بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم دارند.
- د) حق دارند طلب خود را از شرکاء ضامن مطالبه کنند و در این مورد بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم ندارند.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۱۲۶ قانون تجارت؛

ماده ۱۲۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچیک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت. اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.»

۱۲۸- کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۸۳)

- الف) ورشکستگی شرکت نسبی ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء آن دارد.
- ب) ورشکستگی شرکت نسبی ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء آن ندارد.
- ج) ورشکستگی بعضی از شرکاء شرکت تضامنی ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت دارد.
- د) ورشکستگی شرکت نسبی بر خلاف شرکت تضامنی ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء آن دارد.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۲۸ و ۱۸۹ قانون تجارت؛

ماده ۱۲۸ مقرر می‌دارد: «ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.»

ماده ۱۸۹ مقرر می‌دارد: «مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسؤولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنهاست.) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت‌های نسبی نیز جاری است.»

۱۲۹- کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۱)

- الف) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند و مشمول مقررات ورشکستگی نیز هستند.
- ب) شرکت‌های تضامنی تاجر نیستند و از مشمول مقررات ورشکستگی نیز خارج هستند.
- ج) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند اما از مشمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.
- د) شرکت‌های تضامنی، تاجر نیستند اما شرکت‌های تضامنی که موضوع آنها تجاری است، مشمول مقررات ورشکستگی هستند.
- گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۳ و ۲۰ و ۴۱۲ قانون تجارت؛

ماده ۳- معاملات ذیل: به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می‌شود:

- ۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها.
- ۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود می‌نماید.
- ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می‌نماید.
- ۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجارتي.

ماده ۲۰- شرکت‌های تجارتي بر هفت قسم است:

- ۱- شرکت سهامی.
- ۲- شرکت با مسؤولیت محدود.
- ۳- شرکت تضامنی.
- ۴- شرکا مختلط غیرسهامی.
- ۵- شرکت مختلط سهامی.
- ۶- شرکت نسبی.
- ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

ماده ۴۱۲- ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تأدیة وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.

مبحث هفدهم: شرکت مختلط سهامی

۱۳۰- در شرکت مختلط سهامی، شریک ضامن کسی است که:

(آزمون ۱۳۸۰)

- الف) بدون آن که سرمایه او به صورت سهام در نیامده مسؤول پرداخت کلیه قروض شرکت است.
- ب) سرمایه او به صورت سهام درآمده و خارج از سرمایه خود هیچ مسؤولیتی ندارد.
- ج) سرمایه او به صورت سهام در نیامده و خارج از سرمایه خود هیچ مسؤولیتی ندارد.
- د) سرمایه او به صورت سهام درآمده و او مسؤول پرداخت کلیه قروض شرکت می‌باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۱۶۲ قانون تجارت؛

ماده ۱۶۲ مقرر می‌دارد: «... شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسؤول کلیه قروضی است که ممکن

است علاوه بر دارایی شرکت پیدا کند...»

Www.Magazine.Shme.ir

مبحث هجدهم: شرکت نسبی

۱۳۱- مسؤولیت شرکاء در شرکت نسبی:

(آزمون ۱۳۸۵)

- الف) به میزان سرمایه‌ای است که در شرکت آورده‌اند.
- ب) تضامنی است و هر یک از شرکاء مسؤول پرداخت تمام بدهی شرکت خواهند بود.
- ج) هر شریک فقط به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت آورده مسؤول پرداخت دیون شرکت می‌باشد.
- د) کلیه شرکاء مسؤولیت مدنی دارند و میزان مسؤولیت آنان را دادگاه تعیین می‌کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۸۳ قانون تجارت؛

ماده ۱۸۳ مقرر می‌دارد: «شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسؤولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته.»

۱۳۲- مسؤولیت شرکاء در شرکت نسبی: (آزمون ۱۳۸۶)

الف) محدود به سرمایه آنها است. ب) نسبی و نامحدود است.

ج) نسبی و محدود است. د) تضامنی است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۸۳ و ۱۸۶ قانون تجارت؛

ماده ۱۸۶ مقرر می‌دارد: «اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسؤل تأدیه قروض شرکت است.»

۱۳۳- شرکت‌های تضامنی و نسبی از هر جهت تابع قواعد یکسانند مگر از جهت:

الف) تعداد شرکاء ب) تعداد مدیران

ج) میزان مسؤولیت شرکاء د) هر سه مورد

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۱۸۵ و ۱۸۹ قانون تجارت؛

ماده ۱۸۵- دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۸۹- مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسؤولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنهاست) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت‌های نسبی نیز جاری است.

۱۳۴- اگر شریک جدیدی بعنوان شریک ضامن وارد شرکت نسبی شود، مسؤولیت وی (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) مشترک است.

ب) تضامنی و نامحدود است.

ج) نسبی و تضامنی است.

د) به اندازه سرمایه‌ای است که به شرکت آورده است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۸۸ قانون تجارت؛

ماده ۱۸۸ مقرر می‌دارد: «هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت می‌گذارد

مسؤل قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد. قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.»

۱۳۵- شخص «الف» سهم‌الشرکه خود در یک شرکت نسبی را به شخص «ب» منتقل می‌نماید. در این صورت نسبت به مطالباتی که

اشخاص ثالث قبل از نقل و انتقال سهم‌الشرکه از شرکت داشته‌اند ... (آزمون ۱۳۹۱)

الف) «الف» و «ب» مسؤولیتی ندارند.

ب) فقط «ب» با سایر شرکا متناسباً مسؤل است.

ج) فقط «الف» با سایر شرکا متناسباً مسؤل است.

د) «الف» و «ب» متضامناً به نسبت سهم‌الشرکه موضوع انتقال مسؤل هستند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۱۸۸ قانون تجارت؛

۱۳۶- در صورت ورشکستگی شرکت نسبی:

- الف) شرکاء نیز ورشکسته اعلام خواهند شد.
- ب) مطلقاً امکان ورشکستگی شرکاء وجود ندارد.
- ج) تحت شرایط خاص در صورتی که شریک یا شرکاء در خارج از شرکت تاجر باشند امکان صدور حکم ورشکستگی آنان وجود دارد.
- د) گزینه ب و ج صحیح است.
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

مبحث نوزدهم: شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

۱۳۷- هر عضو در شرکت تعاونی:

(آزمون ۱۳۸۲)

- الف) به نسبت سهام خود، حق رأی دارد.
- ب) بدون در نظر گرفتن میزان سهم، فقط دارای یک رأی است.
- ج) در صورت پیش‌بینی اساسنامه، ممکن است حق رأی نداشته باشد.
- د) در صورت تصویب مجمع عمومی، می‌تواند از داشتن حق رأی محروم گردد.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹۴ قانون تجارت و ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰؛

ماده ۱۹۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ‌یک از شرکاء نمی‌توانند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشند.»

ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد مقرر می‌دارد: «مجمع عمومی فوق‌العاده به منظور تغییر مواد در اساسنامه (در حدود این قانون)، تصمیم‌گیری نسبت به عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره و انحلال یا ادغام تعاونی تشکیل می‌گردد.

تبصره ۱- مجمع عمومی فوق‌العاده بنا به تقاضای کتبی حداقل یک سوم اعضاء تعاونی و یا اکثریت مطلق اعضاء هیأت مدیره و یا بازرسان یا بازرسان با حضور حداقل دو سوم اعضاء کل مجمع تشکیل می‌شود. در تعاونی‌های دارای بیش از پانصد نفر عضو در صورتی که بار اول با دو سوم اعضاء تشکیل نشود، بار دوم با نصف به علاوه یک رسمیت خواهد داشت.

تبصره ۲- در صورتی که هیأت مدیره ظرف مدت حداکثر یک‌ماه نسبت به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام ننماید، وزارت تعاون نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام می‌نماید.»

دو هفته نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث بیستم: در تصفیه امور شرکتهای

(آزمون ۱۳۸۱)

۱۳۸- چنانچه شرکت با مسئولیت محدود منحل گردد، تصفیه امور آن، در کلیه موارد به عهده

- الف) مدیران است.
- ب) اداره تصفیه امور ورشکستگی است.
- ج) مدیر تصفیه‌ای است که شرکاء تعیین می‌کنند.
- د) مدیران است مگر آن که اساسنامه یا شرکاء ترتیب دیگری اتخاذ نموده باشند.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۱۳ قانون تجارت؛

مطابق ماده ۲۱۳ مقرر می‌دارد: «در شرکت‌های سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و شرکت‌های تعاونی، امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.»

مبحث بیست و یکم: مقررات مختلفه

۱۳۹- چنانچه شرکتی در ایران تشکیل و با اشتغال به امور تجارتي خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در قانون تجارت

در نیاورد:

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) شرکت تضامنی محسوب می‌شود.

ب) شرکت با مسئولیت محدود محسوب می‌شود.

ج) شرکت مدنی محسوب می‌شود.

د) شرکت باطل است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۲۲۰ قانون تجارت؛

ماده ۲۲۰ مقرر می‌دارد: «هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتي خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد هر شرکت تجارتي ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خردادماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید کلیه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی و یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده.»

رجوع کنید به دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۴۷۶.

۱۴۰- چنانچه شرکتی تجاری تشکیل شود و امور تجارتي خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در قانون تجارت در نیاورد

تابع چه مقرراتی است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) تابع مقررات شرکت‌های سهامی خاص است.

ب) تابع مقررات قانون مدنی است.

ج) تابع احکام راجع به شرکت‌های تضامنی است و شرکت تضامنی محسوب می‌شود.

د) تابع اساسنامه شرکت است هرچند منطبق با هیچیک از شرکت‌های قانونی نباشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۰ قانون تجارت؛

مبحث بیست و دوم: صورت برات

۱۴۱- در مورد اثر طلبکار نبودن صادر کننده برات از محال علیه به هنگام صدور برات کدام گزینه صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) موجب سلب عنوان برات از سند می‌گردد مگر اینکه طلب بعداً بوجود آید.

ب) موجب سلب عنوان برات از سند نمی‌گردد.

ج) موجب سلب عنوان برات از سند می‌گردد.

د) فقط در صورت آگاهی دارنده، عنوان برات از سند سلب می‌گردد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۲۲۳ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۴۲- در خصوص مبلغ برات کدام عبارت صحیح نمی‌باشد؟

الف) در خصوص تعارض میان مبلغ به حروف و رقم، مبلغ کمتر ملاک است.

ب) عدم قید مبلغ برات موجب خروج سند از شمول اسناد تجاری است.

ج) عدم قید مبلغ برات با حروف موجب خروج سند از شمول اسناد تجاری نیست.

د) در خصوص تعارض میان مبلغ به حروف و مبلغ به رقم، مبلغ ذکر شده به حروف ملاک است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۵ قانون تجارت؛

ماده ۲۲۵ مقرر می‌دارد: «تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.»

۱۴۳- شرکتی با امضای مجاز خود، که ترکیبی از امضای مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و مهر شرکت است سفته‌ای (فته‌طلبی) را تعهد پرداخت کرده است که در سررسید نتوانسته است وجه آن را پرداخت کند و دارنده سفته، آنرا ظرف مدت قانونی و اخلاقی کرده است. حال دارنده سفته، طلب خود را از چه شخصی و یا اشخاصی می‌تواند مطالبه کند؟ (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) از شرکت منحصرأ

ب) از شرکت و مدیرعامل متضامناً

ج) از مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و شرکت متضامناً

د) از شرکت و مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره متساویاً و به تئلیث

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۷ قانون تجارت؛

ماده ۲۲۷ مقرر می‌دارد: «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.»

۶۸ رجوع کنید به دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۴۹۷.

مبحث بیست و سوم: در قبول و نکول

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۴۴- تاریخ، یکی از شرایط صحت قبولی برات اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

الف) است.

ب) نیست.

ج) است، در صورتی که سررسید به وعده از رؤیت باشد.

د) است، در صورتی که در سند قید شده باشد که ظرف مهلت مقرر قبولی اخذ شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۸ قانون تجارت؛

ماده ۲۲۸ مقرر می‌دارد: «قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می‌شود. در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد. اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب می‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۱۴۵- اگر براتی بصورت مشروط و مقید به شرط و یا شروطی قبولی نوشته شود:

الف) قبول شده محسوب می‌شود.

ب) نکول شده محسوب می‌شود.

ج) نکول شده محسوب می‌شود معهذا قبول کننده به شرط، در حدود شرط و یا شروطی که نوشته است مسؤول پرداخت وجه برات است.

د) قبول شده محسوب است و قبول کننده در حدود شرط و یا شرایطی که نوشته است مسؤولیت دارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۳۳ قانون تجارت؛

ماده ۲۳۳ مقرر می‌دارد: «اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی معهذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسؤول پرداخت وجه برات است.»

۱۴۶- هنگامی که برات به برات گیر ارائه می‌شود، برات گیر حق دارد از دارنده برات بخواهد که برات را مجدداً ظرف بعد از آن تاریخ ارائه نماید.

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) بیست و چهار ساعت (ب) سه روز

ج) یک هفته (د) ده روز

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۳۵ قانون تجارت؛

ماده ۲۳۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.»

مبحث بیست و چهارم: در وعده برات

۱۴۷- منظور از ماده ۲۴۲ قانون تجارت که مقرر می‌دارد: «هرگاه برات بی‌وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.» این است که

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) سررسید تعیین نشده و برات گیر برات را قبول کند.

ب) سررسید برات به رؤیت تعیین شده باشد.

ج) دارنده برات سررسید را خط بزند و برات گیر با وجود آن برات را قبول کند.

د) سررسید به هر صورتی که تنظیم شده باشد برات گیر با قبول برات حاضر به پرداخت باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۴۲ قانون تجارت؛

ماده ۲۴۲ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هرگاه برات بی‌وعده قبول شده باید فوراً پرداخت شود.»

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث بیست و پنجم: ظهر نویسی

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۴۸- اگر در ظهر براتی فقط امضاء گردد، ظهر نویسی:

الف) حاکی از انتقال برات است مگر خلاف آن قید شود.

ب) حاکی از انتقال برات نیست، مگر تصریح شود.

ج) نشانه ضمانت است مگر خلاف آن تصریح شود.

د) با توجه به قیدی که در آن ذکر شده باید مشخص شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۴۷ قانون تجارت؛

ماده ۲۴۷ مقرر می‌دارد: «ظهنرویی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهنرویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی‌الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوا برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.»

رجوع کنید به مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ قانون تجارت.

۱۴۹- اگر کسی که برات در وجه او صادر شده است، بدون نوشتن هیچ مطلبی فقط پشت سند را امضاء کند و آن را در اختیار دیگری قرار دهد:

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) ظهنرویی دلالت بر وثیقه گذاشتن سند دارد.

ب) ظهنرویی حاکی از انتقال سند است.

ج) ظهنرویی دلالت بروکالت دادن به گیرنده جهت وصول دارد.

د) ظهنرویی ضمانت تلقی می‌گردد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۴۷ قانون تجارت؛

مبحث بیست و ششم: مسؤولیت

۱۵۰- ضامن صادرکننده سفته در قبال مسؤول است.

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) ظهنرویسان ب) دارنده سفته

ج) صادرکننده د) ظهنرویسان و دارنده سفته

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مستفاد از ماده ۲۴۹ قانون تجارت؛

ماده ۲۴۹ مقرر می‌دارد: «برات‌دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهنرویس‌ها در مقابل دارنده برات مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهنرویس‌ها نسبت به برات‌دهنده و ظهنرویس‌های ما قبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسؤولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤولین برات نیست، اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهنرویی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهنرویی را کرده فقط با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.»

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۵۱- ضامن ظهنرویس برات در مقابل مسؤولیت دارد.

الف) برات‌دهنده ب) فقط دارنده برات

ج) مضمون‌عنه خود د) دارنده برات و امضاءکنندگان بعد از خود

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۲۴۹ قانون تجارت؛

۱۵۲- در صورتی که سفته‌ای در وجه سه نفر صادر شده و آنان ظهنرویی کرده باشند، مسؤولیت آنان در پرداخت وجه آن سند است.

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) مشترک ب) تضامنی

ج) اگر شرط شده باشد مشترک د) حتی اگر شرط مسؤولیت تضامنی شده باشد مشترک

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ قانون تجارت؛

ماده ۳۰۹ مقرر می‌دارد: «تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته‌طلب نیز لازم‌الرعایه است.»

۱۵۳- سفته‌ای (فته طلبی) توسط «الف» و «ب» در وجه «ج» تعهد و در ظهر، پرداخت آن توسط «د» ضمانت شده است و متأسفانه،

ظرف مهلتی قانونی و اخواست نشده است. حدود مسؤولیت آنان، در مقابل دارنده «ج» چگونه است؟ (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) الف و ب متناصفاً برای پرداخت تمام وجه سفته مسؤول پرداخت هستند.

ب) الف و ب متناصفاً در مقابل دارنده همراه با د که متضامناً با الف و ب نسبت به تمام وجه سفته مسؤول هستند.

ج) الف و ب متضامناً مسؤول پرداخت وجه سفته هستند.

د) الف و ب متناصفاً مسؤول پرداخت وجه سفته هستند و د به علت اخواست نشدن سفته مسؤولیت ندارد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ۲۴۹ قانون تجارت؛

۱۵۴- مسؤولیت ظهرنویس چک بلامحل واجد وصف کیفی، کدام یک از مسؤولیت‌های زیرین است؟ (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) مسؤولیت کیفی است با عنوان معاونت در جرم صدور چک بلامحل

ب) مسؤولیت کیفی است تحت عنوان مشارکت در کشیدن چک بلامحل

ج) مسؤولیت حقوقی است به شرط رعایت شرایط و مواعد

د) مسؤولیت حقوقی است بلاقید و شرط تا زمانی که دین باقی است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۲۴۹، ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت؛

ماده ۳۱۵ مقرر می‌دارد: «اگر چک در همان مکاتی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگری دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست.»

ماده ۳۱۷ مقرر می‌دارد: «مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده است و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهارماه از تاریخ صدور است.»

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۵۵- کدام یک از عبارات ذیل صحیح نمی‌باشد؟

الف) ضامن صرفاً با مضمون‌عنه خود مسؤولیت تضامنی دارد. www.MagazineOnline.ir

ب) ضمانت ضامن برات مفقود شده، در صورت عدم تعیین مدت ضمان، سه سال است.

ج) در صورت سقوط حق رجوع دارنده به ظهرنویس، ضامن ظهرنویس مذکور بری‌الذمه می‌گردد.

د) دارنده سند تجاری موظف است ظرف یکسال از تاریخ اعتراض مبادرت به طرح دعوی به طرفیت ضامن نماید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۲۴۹، ۲۶۷ و ۴۰۸ قانون تجارت؛

ماده ۲۴۹ مقرر می‌دارد: «برات دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.

همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ما قبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسؤولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤولین برات نیست، اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.»

ماده ۲۶۷ مقرر می‌دارد: «در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.»

ماده ۴۰۸ مقرر می‌دارد: «همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بری می‌شود.»

مبحث بیست و هفتم: در پرداخت

۱۵۶- شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده:

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) هیچ‌گونه مسؤولیتی نسبت به وجه برات ندارد.

ب) با دریافت‌کننده وجه برات مسؤولیت تضامنی دارد.

ج) با دریافت‌کننده وجه برات مسؤولیت اشتراکی دارد.

د) در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسؤول است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۵۶ قانون تجارت؛

ماده ۲۵۶ مقرر می‌دارد: «شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسؤول است.»

که چنانچه وجه برات به علل قانونی مانند ورشکستگی و فوت و ... قبل از سررسید پرداخت شود، از حکم مقرر در ماده ۲۴۹ قانون تجارت مستثنی می‌باشد. (دراجیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۵۳۶)

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۱۵۷- در صورتی که دارنده چک سند مذکور را گم کند

الف) مفقود کننده چک (ذیحق) می‌تواند پس از اثبات اینکه چک متعلق به اوست، با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند. **دو هفته نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران**

ب) باید صرفاً طبق ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون صدور چک اقدام و با مسدود کردن حساب پرداخت چک را غیرممکن کند.

www.Magazine.Shme.ir

ج) پرداخت وجه چک با دادن ضامن صورت می‌گیرد.

د) صادرکننده وظیفه دارد چک دیگری به همان مبلغ در وجه چنین دارنده‌ای صادر کند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۳ قانون تجارت؛

ماده ۲۶۳ مقرر می‌دارد: «اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می‌تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید. پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می‌تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند.»

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۵۸- برات‌گیر از دارنده برات برای اتخاذ تصمیم در مورد قبول و یا نکول مهلت نخواهد.

الف) نمی‌تواند.

ب) می‌تواند.

ج) در صورتی که امضاء کنندگان موافق باشند، می‌تواند.

د) چنانچه سررسید سند به رؤیت باشد، می‌تواند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مستفاد از ماده ۲۶۹ قانون تجارت؛

ماده ۲۶۹ مقرر می‌دارد: «محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.»

(آزمون ۱۳۸۳)

۱۵۹- کدام عبارت درست است؟

الف) دادگاه نمی‌تواند به برات‌گیر مهلت پرداخت بدهد.

ب) دادگاه می‌تواند مهلت مناسب برای برات‌گیر جهت پرداخت بدهد.

ج) اعطاء مهلت به برات‌گیر توسط دادگاه فقط با رضایت دارنده برات ممکن است.

د) در اعطاء مهلت به برات‌گیر علاوه بر رضایت دارنده برات رضایت سایر متعهدان برات نیز لازم است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۹ قانون تجارت؛

ماده ۲۶۹ مقرر می‌دارد: «محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.»

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۶۰- کدام گزینه در مورد مطالبه وجه برات صحیح است؟

الف) دادگاه می‌تواند به مدیون مهلت بدهد ولی مجاز به قرار اقساط نیست.

ب) دادگاه نمی‌تواند بدون موافقت طلبکار به مدیون مهلت بدهد.

ج) دادگاه رأساً می‌تواند مهلت عادلانه بدهد.

د) دادگاه می‌تواند به درخواست مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط بدهد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۹ قانون تجارت؛

ماده ۲۶۹ مقرر می‌دارد: «... محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات، برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.»

مبحث بیست و هشتم: حقوق و وظایف دارنده برات

۱۶۱- واخواست (اعتراض عدم پرداخت) برات ظرف مدت از تاریخ سررسید بایستی صورت گیرد. (آزمون ۱۳۹۰)

الف) ۱۰ روز ب) ۱۵ روز

ج) ۱۰ ماه د) در خارج ۶ ماه و در ایران ۳۰ روز

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۲۸۰ قانون تجارت؛

ماده ۲۸۰ مقرر می‌دارد: «امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده

می‌شود معلوم گردد.»

۱۶۲- کدام گزینه صحیح نیست؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) گواهی بانک محال‌علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک به منزله واخواست است.

ب) واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند.

ج) واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده، در مورد چک هم جاری است.

د) دارنده چک می‌تواند بدون توجه به محل استقرار بانک محال‌علیه، در دادگاه محل صدور چک دعوای مطالبه را طرح نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۲۸۰، ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت و ماده ۱۱ قانون صدور چک؛

۱۶۳- اگر دارنده سفته ظرف مهلت مقرر اطلاع‌نامه‌ای مبنی بر عدم پرداخت برای کسی که سفته را به او داده ارسال ندارد

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) حق مراجعه خود را از دست نمی‌دهد.

ب) حق مراجعه خود را نسبت به آن شخص از دست می‌دهد.

ج) حق مراجعه خود را نسبت به همه مسؤولان سند از دست می‌دهد.

د) حق مراجعه خود را از دست نمی‌دهد حتی اگر واخواست نکرده باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۲۸۴، ۲۸۹ و ۳۰۹ قانون تجارت و رأی وحدت رویه شماره ۲۳۳۱ مورخ ۱۳۴۱/۰۸/۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛

ماده ۲۸۴ مقرر می‌دارد: «دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض، عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.»

ماده ۲۸۹ مقرر می‌دارد: «پس از انقضاء مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویس‌ها و همچنین دعوی هریک از ظهرنویس‌ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.»

ماده ۳۰۹ مقرر می‌دارد: «تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (ازمبحث چهارم الی آخرفصل اول این باب) در مورد فته‌طلب نیز لازم‌الرعایه است.»

رأی وحدت رویه شماره ۲۳۳۱ مورخ ۱۳۴۱/۰۸/۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بیان می‌دارد: «با اطلاق ماده (۲۴۹) قانون تجارت که برات دهنده و قبول کننده برات و ظهرنویس‌ها را در مقابل دارنده برات متضامناً مسؤول شناخته است و حق مراجعه و اقامه دعوی علیه هر کدام از آنان را بدون رعایت ترتیب از حیث تاریخ برای دارنده برات محفوظ داشته است و با توجه به مدلول مواد (۲۸۶ و ۲۸۷) قانون مزبور که مدت اقامه دعوی از طرف دارنده برات را سه ماه و شش ماه از تاریخ اعتراض عدم پرداخت برات تعیین نموده است و عنایت به مفاد ماده (۲۸۸) همان قانون که شرط استفاده از حقی را که در ماده (۲۴۹) قانون به ظهرنویس‌ها داده شده به رعایت مواعد مقرر در مواد (۲۸۶ و ۲۸۷) قانون تجارت از تاریخ اعتراض موكول و شروع مرور زمان مدت‌های مزبور را از فردای ابلاغ احضار به محکمه به او و همچنین در صورت تأدیه وجه برات را به دارنده آن بدون آن که بر علیه او اقامه نشده باشد، موعد را از فردای روز تأدیه قرار داده بدیهی است که اشاره و منظور ماده (۲۸۹) این قانون به مواعد مقرر در مواد فوق مواعد مذکوره مورد بحث بوده و ناظر به موعد ۱۰ روز ارسال اظهارنامه رسمی یا نامه سفارشی دو قبضه مذکوره در مواد (۲۸۴ و ۲۸۵) قانون تجارت نمی‌باشد.

علی‌هذا عدم ارسال اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به واگذارنده برات یا اطلاع‌نامه از طرف هر ظهرنویسی به ظهرنویس سابق خود نمی‌تواند موجب اسقاط حق اقامه دعوی دارنده برات بر واگذارنده و قبول کننده و ظهرنویس‌ها و همچنین هر ظهرنویس بر ظهرنویس سابق خود گردد و با این کیفیت در این قسمت رأی شعبه چهارم دادگاه شهرستان تهران صحیح است. این رأی طبق ماده (۳) قانون اضافی به قانون کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۶۴- دارنده حتی اگر واخواست هم نشده باشد، می‌تواند به صادرکننده آن مراجعه کند.

الف) سفته (ب) برات

ج) برات و سفته (د) برات و چک

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۲۸۹، ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون تجارت؛

رجوع کنید به ماده ۳۰۹ قانون تجارت.

مبحث بیست و نهم: برات رجوعی

۱۶۵- هزینه و اخواست برات و سفته از ظهرنویس قابل مطالبه (آزمون ۱۳۸۲)

الف) است.

ب) نیست.

ج) است، مشروط بر اینکه و اخواست نامه به او ابلاغ شده باشد.

د) نیست، به شرط آنکه در سند قید شده باشد که دارنده سند از اخواست معاف است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مستفاد از ماده ۲۹۸ قانون تجارت؛

ماده ۲۹۸ مقرر می‌دارد: «برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور

اعتراض نامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها صادر می‌کند.»

مبحث سی‌ام: در فته طلب

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۶۶- در مورد سفته‌ای که فاقد امضاء متعهد (صادرکننده) است ظهرنویسان چه مسؤولیتی دارند؟

الف) به دلیل فقدان امضای صادرکننده چنین سفته‌ای هیچ اعتباری ندارد.

ب) متعهد به علت فقدان امضاء مسؤول نیست اما ظهرنویسان در برابر دارنده مسؤول هستند.

ج) در صورت اعتراض عدم تأدیه و طرح دعوی در مهلت قانونی ظهرنویسان مسؤولیت دارند.

د) براساس اصل استقلال امضاءها در برابر دارنده مسؤولیت تضامنی دارند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۰۸ قانون تجارت؛

ماده ۳۰۸ مقرر می‌دارد: «فته‌طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱. مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف؛

۲. گیرنده وجه؛

۳. تاریخ پرداخت.»

۱۶۷- سفته صادره از سوی شرکت «الف» پنج ماه پس از سررسید و اخواست می‌گردد. در این صورت به لحاظ فاصله پنج ماهه

میان صدور و ارائه (آزمون ۱۳۹۱)

الف) هیچ یک از مسؤولین سفته بری‌الذمه نمی‌شوند.

ب) فقط ظهرنویسان و نمایندگان شرکت صادرکننده بری‌الذمه می‌شوند.

ج) فقط ظهرنویسان و ضامنین آنها بری‌الذمه می‌شوند.

د) ظهرنویسان و ضامنین آنها و ضامنین صادرکننده بری‌الذمه می‌شوند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۰۹ قانون تجارت

ماده ۳۰۹- تمام مقررات راجع به بروات تجارته (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب {سفته} نیز لازم-

الرعایه است.

رجوع شود به مواد ۲۴۹، ۲۸۰، ۲۸۹ و ۲۹۰ قانون تجارت.

مبحث سی و یکم: چک

۱۶۸- اسم قانونی نوشته‌ای که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد و یا به دیگری

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

واگذار کند چیست؟

الف) برات

ب) چک

ج) سفته (فته طلب)

د) برگ حواله

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت؛

ماده ۳۱۰ مقرر می‌دارد: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد و یا به دیگری واگذار می‌نماید.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۱۶۹- دعوی مطالبه وجه چک از ظهرنویس به شرطی مسموع است که:

الف) فاصله بین تاریخ صدور چک تا صدور گواهی عدم پرداخت بیش از ۶ ماه نباشد.

ب) فاصله بین تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت تا زمان تقویم دادخواست بیش از ۶ ماه نباشد.

ج) موارد الف و ب صحیح است.

د) اگر چک از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد فاصله بین تاریخ صدور چک تا صدور گواهی عدم پرداخت بیش از ۴۵ و اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد بیش از ۱۵ روز نباشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۳۱۵ قانون تجارت؛

ماده ۳۱۵ مقرر می‌دارد: «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوای او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود دعوای دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.»

۱۷۰- اگر چک در همان مکانی که صادر شده باید تأدیه شود و دارنده چک ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نکند:

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) دعوی دارنده بر علیه صادرکننده و دیگر مسؤولین بعد از آن تاریخ مسموع نخواهد بود.

ب) دعوی دارنده بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود.

ج) اگر صادرکننده وجه چک را به محال‌علیه رسانده باشد و مجال علیه بعد از ۱۵ روز ورشکسته شده باشد و وجه چک قابل پرداخت نباشد، دعوی بر علیه صادرکننده مسموع نیست.

د) گزینه ب و ج صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۱۵ قانون تجارت؛

۱۷۱- مرور زمان دعوای راجع به چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده باشد ... (آزمون ۱۳۹۰)

الف) پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور چک است.

ب) پس از انقضای ده سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت است.

ج) پس از انقضای ده سال از تاریخ آخرین تعقیب قضایی است.

د) پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت است مگر اینکه ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۱۸ قانون تجارت؛

ماده ۳۱۸- دعاوی راجعه به برات و فته‌طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در این صورت مبداء مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است.

در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می‌شود.

تبصره- مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته‌طلب‌هایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجراء نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقوله است.

مبحث سی و دوم: موارد مرتبط با قانون صدور چک

۱۷۲- کدام یک از گزینه‌های زیر غلط است؟ چک‌های صادره عهده در حکم اسناد لازم‌الاجرا است. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) شعب بانک‌های ایرانی در خارج از کشور

ب) بانک‌های واقع در خارج از کشور

ج) بانک‌هایی که داخل ایران دایر شده‌اند.

د) بانک‌های ایرانی توسط اشخاص در خارج از کشور

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲ قانون صدور چک؛

ماده ۲ مقرر می‌دارد: «چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقی‌مانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجرائیه، دارنده چک باید عین چک و گواهی- نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی‌نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل) یا قائم‌مقام قانونی آنان.

تبصره- دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و بطور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.»

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۱۷۳- کدام گزینه در مورد چک صحیح است؟

الف) چک سند رسمی است.

ب) چک تمام خصوصیات سند لازم‌الاجرا را دارد.

ج) چک از حیث اجراء مانند سند رسمی است.

د) همه موارد صحیح است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۲ قانون صدور چک؛

۱۷۴- کدام گزینه نادرست است؟

الف) وصول وجه چک از ظهرنویس از طریق اجرای ثبت میسر است.

ب) در صورت عدم انطباق امضاء وفق گواهی عدم تأدیه، ثبت از اجرا امتناع می‌کند.

ج) در اجرای ثبت امکان بازداشت مدیون وجود ندارد.

د) در اجرای ثبت مقررات مستثنیات دین در مورد مدیون رعایت می‌شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲ قانون صدور چک؛

۶ رجوع کنید به دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۴۹۷.

۱۷۵- کدام یک از اسناد زیر، در حکم سند لازم‌الاجرا است و دارنده آن، تحت شرایطی می‌تواند از اداره ثبت اسناد درخواست

(آزمون ۱۳۸۷ - مرکز)

صدور اجرائیه کند؟

الف) برات

ب) چک

ج) سفته (فته طلب)

د) هر سه مورد

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲ قانون صدور چک؛

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۷۶- آیا در اجرای چک از طریق ثبت می‌توان علیه ظهرنویس اقدام کرد؟

الف) خیر

ب) بله، اگر مدت ۱۵ روز از صدور گواهی عدم پرداخت نگذشته باشد.

ج) بله، اگر مدت ۶ ماه از زمان صدور گواهی عدم پرداخت نگذشته باشد.

د) بله، زیرا وی (ظهرنویس) مسئولیت پرداخت وجه چک را پذیرفته است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲ قانون صدور چک؛

۱۷۷- دارنده چک برای وصول وجه آن از طریق اجرای ثبت علیه می‌تواند اقدام نماید. (آزمون ۱۳۹۰)

الف) فقط صادرکننده

ب) صادرکننده و ضامن

ج) صادرکننده و ظهرنویسان

د) صادرکننده، ظهرنویس و ضامن

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق قسمت اخیر ماده ۲ قانون صدور چک؛

۱۷۸- کدامیک از اسناد زیر از مزایای اجرای اسناد رسمی برخوردار هستند؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) فقط چک‌های ریالی عهده بانک‌های دولتی و خصوصی ایرانی

ب) چک‌های ریالی و ارزی صادره عهده بانک‌های دولتی و خصوصی ایرانی

ج) فقط چک‌های صادره عهده بانک‌های دولتی

د) چک‌های صادره توسط بانک‌های ایرانی و خارجی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۲ قانون صدور چک؛

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۷۹- آیا وجه چک قبل از تاریخ مندرج در آن قابل وصول است؟

الف) بلی

ب) خیر

ج) خیر، مگر این که در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده و آن شرط تحقق یافته باشد.

د) بله، در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳ مکرر قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲:

ماده ۳ مکرر مقرر می‌دارد: «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.»

۱۸۰- در مورد اثر توقیف شدن موجودی حساب جاری یا بسته بودن آن هنگام صدور چک، کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۱)

الف) موجب سلب عنوان چک از سند می‌شود.

ب) موجب سلب عنوان چک از سند نمی‌گردد.

ج) فقط بسته بودن حساب، موجب سلب عنوان چک از سند می‌شود.

د) فقط توقیف شدن موجودی، موجب سلب عنوان چک از سند می‌گردد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۱۰ و ۱۴ قانون صدور چک؛

ماده ۱۰- هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد

بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق است.

ماده ۱۴- صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری

یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز

هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام

شده صادر و تسلیم می‌نماید.

دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت

گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در

وجه حامل به او واگذار گردیده).

در موردی که ذینفع دستور عدم پرداخت می‌دهد بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف

دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

تبصره ۲- دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی

تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضاء مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده

چک وجه آن را پرداخت کند.

۱۸۱- کسی که چک پس از ارائه به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت (برگشت) به وی منتقل شده است: (آزمون ۱۳۸۸)

الف) مطلقاً حق تعقیب کیفری ندارد.

ب) فقط حق دارد از طریق اجرای ثبت تقاضای صدور اجرائیه کند.

ج) چنانچه انتقال با سند رسمی باشد از کلیه حقوق قانونی بهره‌مند است.

د) در صورتی که انتقال قهری باشد از کلیه حقوق قانونی بهره‌مند است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱ قانون صدور چک؛

ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «... کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده، حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آنکه

انتقال قهری باشد...»

۱۸۲- شخصی که مدعی است دارنده چک تضمین شده بوده به بانک صادرکننده آن چک دستور دهد از پرداخت آن سند خودداری نماید.

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) نمی تواند.

ب) می تواند با ادعای جعل

ج) می تواند با ادعای سرقت

د) می تواند با ادعای مفقود شدن

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون صدور چک؛

تبصره ۳ ماده ۱۴ مقرر می دارد: «پرداخت چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضائی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.»

۱۸۳- در صورت صدور چک از حساب مشترک، کلیه صادرکنندگان: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) بر پایه توافق میان خود مسؤول پرداخت می باشند.

ب) بالمنصفه - بالسویه دارای مسؤولیت هستند.

ج) براساس قرارداد گشایش حساب با بانک مسؤولیت دارند.

د) به صورت تضامنی و هر یک نسبت به کل مبلغ چک مسؤولیت دارند.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق ماده ۱۸ قانون صدور چک؛

ماده ۱۸ مقرر می دارد: «هرگاه صادرکنندگان چک متعدد باشند مرجع تعقیب کننده می تواند مبلغ وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی را به میزان مسؤولیت هر یک از آنان و در صورت معلوم نبودن میزان مسؤولیت به طور تساوی تقسیم نماید.»

۱۸۴- در صورتی که سند تجارتي به نمایندگی صادر شود، به عنوان صادرکننده شناخته می شود. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) اصیل

ب) نماینده

ج) نماینده اگر دارای اختیار نباشد.

د) نماینده اگر اختیار نداشته و عنوان نمایندگی را در سند قید نکرده باشد.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک؛

ماده ۱۹ مقرر می دارد: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخصی حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسؤول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دو صادر می شود. به علاوه امضاءکننده چک طبق مقررات این قانون مسؤولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسؤول خواهد بود.»

۱۸۵- مدیرعامل و مدیرمالی یک شرکت دولتی یک فقره چک به مبلغ بیست میلیارد ریال بابت پرداخت بدهی حال شده شرکت صادر نموده و به طلبکار داده اند ولی چک مذکور طبق گواهی بانک غیرقابل پرداخت اعلام شده است. چه اشخاصی برای دریافت چک مسؤولیت حقوقی دارند؟

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) فقط شرکت به عنوان شخص حقوقی

ب) مدیرعامل شرکت به عنوان شخص حقیقی متضامناً با شرکت به عنوان شخص حقوقی

ج) مدیرمالی شرکت به عنوان شخص حقیقی متضامناً با شرکت به عنوان شخص حقوقی

د) مدیر مالی و مدیرعامل شرکت به عنوان اشخاص حقیقی متضامناً با شرکت به عنوان شخص حقوقی

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک؛

۱۸۶- در صورتی که مدیرعامل یک شرکت تجاری به نمایندگی از طرف شرکت چکی صادر نماید که منتهی به گواهی عدم پرداخت شود:

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) فقط مدیرعامل که چک را صادر کرده است مسئولیت کیفری دارد.

ب) مدیرعامل و عضو هیأت مدیره مسئولیت کیفری و حقوقی دارند.

ج) مدیرعامل مسئولیت کیفری و شرکت مسئولیت حقوقی دارد.

د) مدیرعامل مسئولیت کیفری و مسئولیت تضامنی و حقوقی متوجه هر دو شخص می‌باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک؛

۱۸۷- اگر مدیرعامل شرکت سهامی به نمایندگی از آن چکی صادر کند مسئولیت پرداخت آن برعهده کیست؟

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) مدیرعامل

ب) شرکت

ج) مدیرعامل و شرکت (متضامناً)

د) شرکت و مدیرعامل هر دو، مگر آن که مدیرعامل ثابت کند عدم پرداخت مستند به عمل او نبوده که در این حالت تنها شرکت مسؤول است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک؛

۱۸۸- به موجب قانون صدور چک در صورت صدور چک به وکالت مسئولیت پرداخت وجه آن به عهده کیست؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) فقط وکیل

ب) فقط موکل

ج) وکیل و موکل بالمناصفه

د) وکیل و موکل متضامناً

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک؛

۱۸۹- مبداء محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ می‌باشد. (آزمون ۱۳۹۰)

الف) صدور چک

ب) ثبت دادخواست مطالبه وجه

ج) صدور گواهینامه عدم پرداخت

د) مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

که در حال حاضر مبداء محاسبه خسارت تأخیر تأدیه و رویه عملی محاکم در مورد اوراق تجاری، مهریه و اسناد موضوع آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از تاریخ سررسید سند می‌باشد.

۱۹۰- مقنن دارنده چک را از تودیع خسارات احتمالی برای صدور قرار تأمین خواسته معاف نموده است، زیرا است. (آزمون

۱۳۹۱)

الف) چک سندی رسمی

ب) چک در حکم اسناد رسمی لازم‌الاجراء

ج) بدهکاری صادرکننده چک مسلم

د) احتمال بدهکار بودن صادرکننده چک زیاد

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱۰- در دعاوی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در مورد دعاوی مستند به اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف، خوانده نمی‌تواند برای تأمین خسارات احتمالی خود تقاضای تأمین نماید.

رجوع شود به مواد ۱۵، ۱۷ و ۱۹ قانون صدور چک.

۱۹۱- شخص «الف» چکی را در وجه شخص «ب» یا به حواله کرد او صادر نموده و «ب» نیز آن را در وجه شخص «ج» ظهرونی می‌نماید. در این صورت ایراد «الف» مبنی بر بدهکار نبودن به «ب» و وقوع اشتباه در صدور چک در صورتی در برابر «ج» قابل استناد است که «ج» (آزمون ۱۳۹۱)

الف) از وقوع اشتباه مطلقاً آگاه نباشد.

ب) پس از دارنده شدن به هر نحو از وقوع اشتباه آگاه شده باشد.

ج) هنگام دارنده شدن از وقوع اشتباه آگاه بوده است.

د) از وقوع اشتباه فقط به وسیله «الف» و هنگام دارنده شدن آگاه بوده باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

ک) با توجه به وصف تجریدی اسناد تجاری، چون شخص (ج) با آگاهی از اشتباه به ضرر خود اقدام نموده است لذا ایراد در قبال وی قابل استناد خواهد بود.

۱۹۲- «الف» سفته‌ای را در وجه «ب» یا به حواله کرد صادر نموده و «ب» نیز آن را در وجه «ج» ظهرونی می‌نماید. در این صورت ایراد «الف» مبنی بر اینکه صدور سند در وجه «ب» مبتنی بر اشتباه در شخصیت طرف بوده است، در صورتی در برابر «ج» قابل استناد است که «ج»: (آزمون ۱۳۹۲)

الف) از وقوع اشتباه پس از دارنده شدن آگاه شود.

ب) از وقوع اشتباه مطلقاً آگاه نباشد.

ج) از وقوع اشتباه هنگام دارنده شدن آگاه باشد.

د) تاجر بوده و از وقوع اشتباه هنگام دارنده شدن آگاه باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

مبحث سی و سوم: در مرور زمان

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۹۳- در صورت مرور زمان تجاری، کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

الف) دارنده حق مطالبه وجه آن را به هیچ عنوان نخواهد داشت.

ب) دارنده صرفاً حق مراجعه به صادرکننده سند تجاری را خواهد داشت.

ج) دارنده حق مراجعه به کسانی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده‌اند را خواهد داشت.

د) دارنده حق مطالبه وجه آن را از تمام مسئولین سند، به عنوان یک سند معرف دین خواهد داشت.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۱۹ قانون تجارت؛

ماده ۳۱۹ مقرر می‌دارد: «اگر وجه برات یافته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یافته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید. تبصره- حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یافته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.»

مبحث سی و چهارم: دلایلی

- کلیات

۱۹۴- قرارداد دلالی اصولاً تابع مقررات راجع به است. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- الف) حق العمل کاری
ب) اجاره اشخاص
ج) وکالت
د) ودیعه

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۳۳۵ قانون تجارت؛

ماده ۳۳۵ مقرر می دارد: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.»

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۹۵- طبق قانون تجارت ایران دلال:

- الف) ضامن اجرای معاملاتی نیست که توسط او انجام می گیرد.
ب) ضامن اجرای معاملاتی است که توسط او انجام می گیرد.
ج) ضامن اجرای معاملاتی است که توسط او انجام می شود حتی اگر شرط خلاف شده باشد.
د) هنگامی ضامن اجرای معاملات است که طرف شخص حقوقی باشد.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۴۳ قانون تجارت؛

ماده ۳۴۳ مقرر می دارد: «دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آن ها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.»

۱۹۶- اصولاً دلال در برابر آمر مسئول اجرای تعهدات ثالث (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) نیست اما در برابر ثالث مسئول اجرای تعهدات آمر است.
ب) نیست همچنان که در برابر ثالث مسئول اجرای تعهدات آمر نیست.
ج) است اما در برابر ثالث مسئول اجرای تعهدات آمر نیست.
د) است همچنان که در برابر ثالث مسئول اجرای تعهدات آمر است.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق مواد ۳۴۳ و ۳۴۴ قانون تجارت؛

ماده ۳۴۴ مقرر می دارد: «دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.»

(آزمون ۱۳۸۰)

۱۹۷- اگر دلال در معامله سهیم باشد، در این صورت:

- الف) آمر مسئولیتی ندارد و فقط دلال مسئولیت دارد.
ب) با آمر خود متناصباً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.
ج) دلال و آمر متضامناً مسئول اجرای تعهد می باشند.
د) فقط آمر مسئول اجرای تعهد است.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۴۷ قانون تجارت؛

ماده ۳۴۷ مقرر می دارد: «در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.»

- اجرت دلال و مخارج

۱۹۸- کدام یک از موارد ذیل در خصوص استحقاق دلال به دریافت حق الزحمه صحیح نمی باشد؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) دلال در صورتی که معامله با وساطت او تمام شده باشد مستحق دریافت حق الزحمه است.

ب) هرگاه معامله مشروط به تحقق شرط باشد دلال صرفاً پس از حصول شرط مستحق دریافت حق الزحمه است.

ج) در صورتی که معامله به واسطه اعمال خیار غبن فسخ شود حق مطالبه حق الزحمه از دلال سلب نمی‌شود.

د) حق الزحمه دلال به نسبت مساوی به عهده طرفین معامله است مگر آنکه خلاف آن توافق شده باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲ و ۳۵۴ قانون تجارت؛

ماده ۳۴۸ مقرر می‌دارد: «دلال نمی‌تواند حق دلالتی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.»

ماده ۳۵۰ مقرر می‌دارد: «هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.»

ماده ۳۵۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که معامله به رضایت طرفین با به واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالتی از دلال

سلب نمی‌شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.»

ماده ۳۵۴ مقرر می‌دارد: «حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور به انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این

ترتیب را مقرر بدارد.»

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۹۹- مخارجی که دلال متحمل می‌شود، قابل مطالبه
الف) است.

ب) نیست.

ج) نیست، حتی اگر حق دریافت آن شرط شده باشد.

د) است، اگر عرف محل دلال را مستحق دریافت آن مخارج بداند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۳۵۱ قانون تجارت؛

ماده ۳۵۱ مقرر می‌دارد: «اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه

معامله سرنگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجاری محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.»

۲۰۰- اگر معامله با موافقت آمر اقاله شود حق العمل کار (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مستحق تمام اجرت است

ب) مستحق اجرت نمی‌باشد.

ج) نصف اجرت را دریافت می‌کند

د) اجرتی را که عرف محل مقرر کند دریافت می‌کند.

دومین شماره تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۵۲ قانون تجارت؛
www.Magazine.Online.ir

مبحث سی و پنجم: حق العمل کاری (کمیسیون)

۲۰۱- اصولاً حق العمل کار در برابر طرف معامله مسئول اجرای تعهد آمر در برابر آمر مسئول اجرای تعهدات طرف معامله

(آزمون ۱۳۹۱)

الف) نیست اما- است

ب) است همچنانکه- است

ج) است اما- نیست

د) نیست همچنانکه- نیست

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۳۵۷ و ۳۶۷ قانون تجارت؛

ماده ۳۵۷- حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العملی دریافت می‌دارد.

ماده ۳۶۷- حق العمل کار در مقابل امر مسؤول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر این که مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد، او را مسؤول قرار دهد.

(آزمون ۱۳۸۱)

۲۰۲- کدام یک از گزینه‌های زیر غلط است؟ «حق العمل کار حق دارد..... مطالبه کند».

الف) کرایه حمل و نقل را

ب) هزینه انبارداری را

ج) هر قسم مخارجی را که کرده است.

د) سود و جوهی را که قبل از انجام معامله به امر داده است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۸ قانون تجارت؛

ماده ۳۶۸ مقرر می‌دارد: «مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع امر لازم بوده و همچنین هر مساعده‌ای که به نفع امر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار می‌تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب امر گذارد.»

(آزمون ۱۳۸۲)

۲۰۳- حق العمل کار حق دارد را به حساب امر گذارد.

الف) هزینه حمل

ب) هزینه انبارداری

ج) هزینه حمل و انبارداری

د) هزینه حمل و انبارداری و سود و جوهی که قبل از معامله به امر داده است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۳۶۸ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۲)

۲۰۴- متصدی حمل و نقل بابت کرایه حمل از حق {حبس} برخوردار.....:

الف) است.

ب) نیست.

ج) است، اگر صاحب کالا تأمین بدهد.

د) است، اگر کرایه مورد ادعا در صندوق دادگستری سپرده نشود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۷۱ قانون تجارت؛

ماده ۳۷۱ مقرر می‌دارد: «حق العمل کار در مقابل امر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده، حق حبس خواهد داشت.»

رسدنی‌ها در خصوص اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث سی و ششم: قرارداد حمل و نقل

۲۰۵- ارسال کننده کالا در مورد خسارت ناشی از عدم تعیین نکاتی که باید به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند مسؤول:

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) است.

ب) نیست.

ج) است، بشرط آنکه عمد داشته.

د) است، مشروط بر آن که متصدی حمل از او خواسته و تعیین نکرده باشد.

۴. در متن اصلی، اشتهاهاً به جای حبس، کلمه «جهل» ذکر شده است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۷۹ قانون تجارت؛

ماده ۳۷۹ مقرر می‌دارد: «ارسال‌کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند:

آدرس صحیح مرسل‌الیه، محل تسلیم مال، عده عدل، یابسته و طرز عدل‌بندی، وزن و محتوی عدل‌ها، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود راهی را که حمل باید از آن را به عمل آید، قیمت اشیایی که گران‌بها است، خسارات ناشی از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط متوجه ارسال‌کننده خواهد بود.»

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۰۶- ارسال‌کننده کالا از متصدی حمل و نقل تقاضای استرداد کالا نماید.

الف) می‌تواند.

ب) به شرط آن که صاحب کالا باشد، می‌تواند.

ج) به شرط آنکه بارنامه صادر نشده باشد، می‌تواند.

د) به شرط آنکه صاحب کالا به او اجازه داده باشد، می‌تواند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۳۸۲ و ۳۸۳ قانون تجارت؛

ماده ۳۸۲ مقرر می‌دارد: «ارسال‌کننده می‌تواند مادام که مال‌التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.»

ماده ۳۸۳ مقرر می‌دارد: «در موارد ذیل ارسال‌کننده نمی‌تواند از حق استرداد مذکوره در ماده ۳۸۲ استفاده کند:

۱. در صورتی که بارنامه توسط ارسال‌کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد؛

۲. در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال‌کننده داده و ارسال‌کننده نتواند آن را پس دهد؛

۳. در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه اعلام کرده باشد که مال‌التجاره به مقصد رسیده و باید آنرا تحویل گیرد؛

۴. در صورتی که پس از وصول مال‌التجاره به مقصد مرسل‌الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل‌الیه عمل کند. معذک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال‌کننده داده مادام که مال‌التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل‌الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد.»

۲۰۷- ارسال‌کننده می‌تواند مادام که مال‌التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی مزبور کرده و خسارات او، پس بگیرد مگر در صورتی که:

الف) مال‌التجاره به مقصد نرسیده باشد.

ب) بارنامه به مرسل‌الیه تسلیم نشده باشد.

ج) قبل از وصول مرسل‌الیه ورشکسته شده باشد.

د) متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه اعلام کرده باشد که مال‌التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل بگیرد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۸۲ و بند ۳ ماده ۳۸۳ ق.ت

۲۰۸- در صورتی که مرسل‌الیه مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره مطالبه می‌نماید قبول نکند، در

(آزمون ۱۳۸۸)

این فرض متصدی حمل و نقل دارای چه حقی است؟

الف) تملک

ب) حبس

ج) ترهین

د) فروش

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۸۴ قانون تجارت؛

۲۰۹- در صورتی که کالاهای موضوع قرارداد حمل و نقل توسط راننده کامیون مأمور حمل و نقل تلف شود چه کسی در مقابل

(آزمون ۱۳۸۳)

صاحب کالا مسؤول خواهد بود؟

الف) راننده

ب) متصدی حمل و نقل

ج) راننده و متصدی حمل و نقل

د) متصدی حمل و نقل در صورت اثبات تقصیر او

گزینه «ج» صحیح می باشد، مستفاد از مواد ۳۸۶ و ۳۸۸ قانون تجارت؛

ماده ۳۸۶ مقرر می دارد: «اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.»

ماده ۳۸۸ مقرر می دارد: «متصدی حمل و نقل مسؤول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد.»

(آزمون ۱۳۸۸)

۲۱۰- اگر مال التجاره تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل در چه صورتی مسؤول است؟

الف) در صورتی که ثابت کند تعدی و تفریط نکرده است، مسؤول نیست.

ب) در صورتی مسؤول است که نتواند ثابت کند که تلف مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نمی توانست از آن جلوگیری کند.

ج) در صورتی مسؤول است که ثابت شود تعدی و تفریط کرده است.

د) مطلقاً مسؤول است.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۸۶ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۱۱- در صورتی که محموله کامیون سرقت شود در این صورت متصدی حمل و نقل:

الف) تا شناسایی و دستگیری سارق مسؤولیتی ندارد.

ب) در صورت اثبات و توجه اتهام به سارق مسؤولیت دارد.

ج) به هر حال در قبال صاحب کالا مسؤولیت داشته و باید خسارت وارده به صاحب آن را جبران کند.

د) هیچ گونه مسؤولیتی ندارد.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۸۸ قانون تجارت؛

ماده ۳۸۸ مقرر می دارد: «متصدی حمل و نقل مسؤول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد.»

۲۱۲- اگر متصدی حمل و نقل (الف)، حمل و نقل کننده دیگری (ب)، را مأمور حمل و نقل کالایی نماید و در عین حمل و نقل

(آزمون ۱۳۸۴)

خسارتی به مال التجاره وارد شود:

الف) الف و ب برای جبران خسارت مسؤولیت تضامنی دارند.

ب) الف در مقابل صاحب مال التجاره مسؤول است ولی حق رجوع به ب را دارد.

ج) الف در مقابل صاحب مال التجاره مسؤول است و حق رجوع به ب را ندارد.

د) الف در مقابل صاحب مال التجاره مسؤولیتی ندارد و صاحب مال التجاره بایستی به ب مراجعه نماید.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۸۸ قانون تجارت؛

ماده ۳۸۸ مقرر می دارد: «متصدی حمل و نقل مسؤول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.»

۲۱۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل، حمل و نقل کننده دیگری را مأمور حمل کالا کرده باشد و در این حالت در نتیجه تقصیر حمل کننده مأمور به مال التجاره خسارتی وارد آید

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) صاحب مال التجاره مخیر است طبق قوانین مربوطه به هر کدام یا هر دو مجتمعاً رجوع کند.

ب) صاحب مال التجاره برای جبران خسارت فقط حق رجوع به حمل کننده مأمور را دارد.

ج) صاحب مال التجاره برای جبران خسارت فقط حق رجوع به متصدی حمل و نقل را دارد.

د) صاحب مال التجاره باید اول به متصدی حمل و نقل و سپس در صورت عدم امکان جبران خسارت توسط او به حمل کننده مأمور رجوع کند.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۸۸ قانون تجارت؛

۲۱۴- محموله ای جهت حمل از گمرک بوشهر به قصد ارسال به تهران به بنگاه باربری (الف) تحویل داده شده که در مسیر تلف گردیده است. بنا به فرض فوق کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) بنگاه باربری ضامن تلف کالا است حتی اگر تلف ناشی از حوادث قهریه باشد.

ب) بنگاه باربری در هر حال با اثبات عدم تقصیر خود در تلف کالا، از مسؤولیت مبری است.

ج) بنگاه باربری با اثبات اینکه تلف کالا ناشی از قصور ارسال کننده بوده از مسؤولیت مبری است.

د) چنانچه ثابت شود تلف کالا ناشی از تقصیر راننده حامل کالا بوده، صرفاً وی مسؤول جبران خسارت است.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۸۸ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۱)

۲۱۵- متصدی حمل و نقل از بابت کرایه حمل، حق حبس

الف) دارد.

ب) ندارد.

ج) ندارد، اگر مبلغ مورد مطالبه در صندوق دادگستری، سپرده شده باشد.

د) دارد، حتی اگر مبلغ مورد ادعا در صندوق دادگستری، ایداع شده باشد.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۹۰ قانون تجارت؛

ماده ۳۹۰ مقرر می دارد: «اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.»

مبحث سی و هفتم: قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری

۲۱۶- قائم مقام تجارتي کیست؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) قائم مقام تجارتي همان منتقل اليه تجارتيخانه است.

ب) قائم مقام تجارتي وارث تاجر است.

ج) کسی است که رييس تجارتيخانه او را برای انجام کليه امور تجارتيخانه نايب خود قرار داده است.

د) کارکنان تجارتيخانه قائم مقام تجارتي محسوب می شوند.

گزينه «ج» صحيح می باشد، مطابق ماده ۳۹۵ قانون تجارتي؛

ماده ۳۹۵ مقرر می دارد: «قائم مقام تجارتي کسی است که رييس تجارتيخانه او را برای انجام کليه امور مربوطه به تجارتيخانه يا یکی از

شعب آن نايب خود قرار داده و امضای او برای تجارتيخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود يا عملاً».

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۱۷- با انحلال تجارتيخانه قائم مقام تجارتي:

الف) منعزل است.

ب) با حکم دادگاه بر کنار خواهد شد.

ج) تنها رييس تجارتيخانه می تواند او را بر کنار کند.

د) تا پايان تصفيه تجارتيخانه و امور مربوط به آن در سمت خود خواهد ماند.

گزينه «الف» صحيح می باشد، مطابق ماده ۴۰۰ قانون تجارتي؛

ماده ۴۰۰ مقرر می دارد: «با فوت يا حجر رييس تجارتيخانه قائم مقام تجارتي منعزل نيست. با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي منعزل

است.»

کج قائم مقام تجارتي کسی است که رييس تجارتيخانه او را برای انجام کليه امور مربوط به تجارتيخانه يا یکی از شعب آن نايب خود قرار

داده و امضای او برای تجارتيخانه الزام آور است.

(آزمون ۱۳۸۸)

۲۱۸- قائم مقام تجارتي در چه صورتی منعزل است؟

الف) با حجر رييس تجارتيخانه

ب) با فوت رييس تجارتيخانه

ج) با انحلال شرکت تجاری

د) هر سه مورد صحيح است.

گزينه «ج» صحيح می باشد، مطابق ماده ۴۰۰ قانون تجارتي؛

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث سی و هشتم: ضمانت

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۱۹- در ضمانت تجارتي: www.Magazine.Shme.ir

الف) مضمون له باید بدو به مدیون اصلی و سپس به ضامن رجوع کند.

ب) مضمون له حتی در صورت فقدان توافق می تواند بطور همزمان به مدیون اصلی و ضامن رجوع نماید.

ج) مضمون له در صورت وجود توافق می تواند بطور همزمان به مدیون اصلی و ضامن رجوع کند.

د) مضمون له صرفاً با رجوع به ضامن یا مضمون عنه و عدم وصول طلب خود می تواند برای تمام یا بقیه طلب به دیگری مراجعه نماید.

گزينه «ب» صحيح می باشد، مطابق ماده ۴۰۲ قانون تجارتي؛

ماده ۴۰۲ مقرر می دارد: «ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول

طلب به او رجوع نماید که بين طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.»

۲۲۰- در حقوق تجارت اصل در «ضمان» ...

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) نقل ذمه به ذمه است.

ب) ضم ذمه به ذمه است.

ج) نقل ذمه به ذمه است مگر این که قانون یا قرارداد خصوصی برخلاف آن باشد.

د) ضم ذمه به ذمه است مگر این که قانون یا قرارداد خصوصی برخلاف آن باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰۳ قانون تجارت؛

ماده ۴۰۳ مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.»

کجه قانون‌گذار در ماده ۶۹۸ قانون مدنی و ماده ۴۰۳ قانون تجارت، ضمانت نقل ذمه به ذمه را به عنوان قاعده و اصل پذیرفته است. (کاتوزیان، دکتر ناصر، عقود معین، جلد چهارم، صفحه ۲۴۱، شماره ۱۳۹) رجوع کنید به ماده ۶۹۸ قانون مدنی.

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۲۱- قبل از رسیدن اجل دین اصلی اگر مدیون اصلی فوت نماید یا ورشکست شود ضامن:

الف) ملزم به تأدیه دین است.

ب) فقط با فوت مضمون‌عنه، ملزم به تأدیه است.

ج) قبل از سررسید، ملزم به تأدیه دین مؤجل نمی‌باشد.

د) با صدور حکم ورشکستگی، مدیون اصلی ملزم به تأدیه دین است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰۵ قانون تجارت؛

ماده ۴۰۵ مقرر می‌دارد: «قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه بواسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.»

۲۲۲- کدامیک از موارد زیر در خصوص ضمانت تجاری صحیح است؟

الف) ضامن صرفاً در صورت پرداخت دین به مضمون‌له، بری‌الذمه می‌شود.

ب) در صورت استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب، ضامن فوراً و به‌خودی‌خود بری‌الذمه می‌شود.

ج) در صورت استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب ضامن به هیچ‌وجه بری‌الذمه نمی‌شود.

د) هیچ‌کدام

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۱۰ ق.ت. www.Magazine.Shme.ir

ماده ۴۱۰- استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه، اگر دین باوثیقه بوده، ضامن را فوراً و بخودی‌خود بری خواهد ساخت.

مبحث سی و نهم: ورشکستگی

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۲۳- حکم ورشکستگی تاجر که حین الفوت در حال توقف بوده:

الف) با مرگ تاجر ورشکسته، صدور حکم موضوعاً منتفی است.

ب) تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر کرد.

ج) بنا به درخواست ورثه تا هر زمانی که باشد می‌توان صادر نمود.

د) فقط قبل از تقسیم ماترک تا هر زمانی که باشد، می‌توان صادر نمود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۲ قانون تجارت؛

ماده ۴۱۲ مقرر می‌دارد: «... حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.»

مبحث چهارم: در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۲۴- حکم ورشکستگی یک تاجر به درخواست افراد ذیل اعلام می‌شود:

الف) دادستان (ب) شخص تاجر

ج) یک یا چند نفر از طلبکاران (د) هر سه مورد

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۵ قانون تجارت؛

ماده ۴۱۵ مقرر می‌دارد: «ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود:

الف- برحسب اظهار خود تاجر؛

ب- به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها؛

ج- برحسب تقاضای مدعی العموم بدایت.»

۲۲۵- در صورتی که تاریخ توقف تاجر در حکم ورشکستگی قید نشده باشد، تاریخ توقف تاجر چه زمانی محسوب می‌شود؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) تاریخ قطعیت حکم ورشکستگی (ب) تاریخ شروع به اجرای حکم ورشکستگی

ج) تاریخ طرح دعوی در محکمه (د) تاریخ صدور حکم ورشکستگی

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۶ قانون تجارت؛

ماده ۴۱۶ مقرر می‌دارد: «محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ توقف محسوب است.»

۲۲۶- تاریخ توقف شرکتی که حکم ورشکستگی آن پس از انحلال صادر شده (آزمون ۱۳۹۲)

الف) همان تاریخ انحلال است.

ب) همان تاریخ صدور حکم است.

ج) حتماً در فاصله انحلال تا صدور حکم است.

د) ممکن است قبل از انحلال باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۶ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۶)

۲۲۷- حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود به این معنی است که:

الف) حکم ورشکستگی باید ظرف یک سال به اجرا درآید.

ب) حکم ورشکستگی قبل از قطعیت اجرا می‌شود.

ج) حکم ورشکستگی قابل تجدیدنظرخواهی نیست.

د) حکم ورشکستگی با اعاده اعتبار بلائتر است.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۴۱۷ قانون تجارت؛

ماده ۴۱۷ مقرر می دارد: «حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می شود.»

۲۲۸- در طول تصفیه شرکت سهامی ورشکسته، نقل و انتقال سهام است. (آزمون ۱۳۹۱)

الف) مجاز (ب) ممنوع اما صحیح

ج) ممنوع و باطل (د) فقط بین خود سهامداران مجاز

گزینه «الف» صحیح می باشد. مطابق ماده ۴۱۸ قانون تجارت؛

ماده ۴۱۸- تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.

۲۲۹- شرکت تجارتي در فاصله توقف تا صدور حکم ورشکستگی (آزمون ۱۳۹۲)

الف) اصولاً حق تصرف در اموال خویش را دارد.

ب) فقط حق تصرف مادی در اموال خویش را ندارد.

ج) اصولاً حق تصرف در اموال خویش را با اجازه مدیر تصفیه دارد.

د) فقط حق تصرف حقوقی در اموال خویش را ندارد.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق مواد ۴۱۸ و ۴۲۳ قانون تجارت؛

۲۳۰- کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) در مورد شرکت های منحل، دعوی باید به طرفیت مدیر تصفیه شرکت اقامه گردد.

ب) در مورد شرکت های ورشکسته، دعوی باید به طرفیت شرکت ورشکسته اقامه گردد.

ج) در مورد شرکت های ورشکسته و منحل دعوی باید به طرفیت مدیر تصفیه اقامه گردد.

د) در مورد شرکت های ورشکسته دعوی به طرفیت مدیر تصفیه و در مورد شرکت های منحل، دعوی به طرفیت شرکت منحل باید اقامه گردد.

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۴۱۹ قانون تجارت و مواد ۲۰۶ و ۲۰۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛

ماده ۴۱۹ قانون تجارت مقرر می دارد: «از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.»

ماده ۲۰۶ لایحه مقرر می دارد: «شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت (در حال تصفیه) ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد.»

ماده ۲۰۸ لایحه مقرر می دارد: «تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.»

۲۳۱- به محض صدور حکم توقف تاجر: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) دعوای علیه تاجر به طرفیت مدیر تصفیه اقامه و دعوای موجود نیز به طرفیت شخص اخیر ادامه خواهد یافت.

- (ب) دعاوی علیه تاجر به طرفیت ناظر تصفیه اقامه ولی دعاوی موجود به طرفیت مدیر تصفیه ادامه می‌یابد.
- (ج) دعاوی علیه تاجر به طرفیت مدعی‌العموم اقامه ولی دعاوی موجود به طرفیت خود تاجر پیگیری خواهد شد.
- (د) دعاوی علیه تاجر به طرفیت مدیر تصفیه اقامه ولی دعاوی موجود به طرفیت خود تاجر ادامه خواهد یافت.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۱۹ قانون تجارت؛

۲۳۲- با صدور حکم ورشکستگی ورشکسته حال می‌شود. (آزمون ۱۳۹۱)

- (الف) فقط دیون
(ب) فقط مطالبات تجارتي
(ج) مطالبات و دیون
(د) مطالبات تجارتي و دیون

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۲۱ قانون تجارت

ماده ۴۲۱ مقرر می‌دارد: «همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود.»

۲۳۳- چنانچه پس از انحلال ارادی شرکت تجارتي حکم ورشکستگی آن صادر شود (آزمون ۱۳۹۲)

- (الف) دیون و مطالبات ورشکسته حال می‌شود.
(ب) دیون و مطالبات ورشکسته حال نمی‌شود.
(ج) فقط دیون ورشکسته حال می‌شود.
(د) فقط مطالبات ورشکسته حال می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۲۱ قانون تجارت؛

۲۳۴- هرگاه تاجری در دوران توقف قرض حال خود را به طلبکار پردازد، عمل وی است. (آزمون ۱۳۸۰)

- (الف) باطل
(ب) غیرنافذ
(ج) قابل فسخ
(د) صحیح

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت؛

ماده ۴۲۳ مقرر می‌دارد: «هرگاه تاجر بعد از توقف، معاملات ذیل را بنماید، باطل و بلااثر خواهد بود: ۲- تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد...»

۲۳۵- خریدن مال تاجر ورشکسته که متعلق حق طلبکاران اوست با علم خریدار به ورشکستگی: (آزمون ۱۳۸۲)

(الف) جرم نیست. (ب) در حکم سرقت است. (ج) ورشکستگی به تقلب محسوب می‌شود. (د) ورشکستگی به تقصیر تلقی می‌شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مستفاد از ماده ۴۲۳ قانون تجارت؛

ماده ۴۲۳ مقرر می‌دارد: «هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

۱. هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از این که راجع به منقول یا غیرمنقول باشد.
۲. تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.
۳. هر معامله‌ای که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.»

۲۳۶- هر صلح محاباتی که تاجر بنماید (آزمون ۱۳۸۵)

- (الف) بعد از توقف قابل فسخ است.
(ب) بعد از توقف باطل و بلااثر است.

ج) اگر برای فرار از پرداخت دین باشد باطل است.

د) قبل از توقف صحیح و بعد از توقف غیر نافذ است، بعد از صدور حکم ورشکستگی باطل است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۲۳ قانون تجارت؛

۲۳۷- صلح محاباتی و هبه تاجر بعد از توقف:

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) صحیح است.

ب) باطل است.

ج) غیر نافذ است.

د) موکول به تشخیص دادگاه است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۲۳ قانون تجارت؛

۲۳۸- هرگاه تاجری در دوران توقف معامله معوض نماید:

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) معامله باطل و بلااثر است.

ب) معامله معتبر و صحیح است.

ج) معامله از سوی مدیر تصفیه قابل ابطال است.

د) معامله غیر نافذ و منوط به تنفیذ مدیر تصفیه است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۲۳ قانون تجارت؛

مبحث چهل و یکم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۳۹- در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی یا نسبی:

الف) اموال شخصی شرکاء ضامن نیز مهر و موم خواهد شد.

ب) اموال شخصی شرکاء در صورت تعیین مدیر تصفیه مهر و موم خواهد شد.

ج) در صورتی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم خواهد شد که حکم ورشکستگی آنها نیز صادر شده باشد.

د) هیچکدام

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۳۹ قانون تجارت؛

ماده ۴۳۹ مقرر می‌دارد: «در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد

مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره- در مورد این ماده و ماده فوق {۴۳۸} مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.»

www.Magazine.Shme.ir

مبحث چهل و دوم: در وظایف مدیر تصفیه

۲۴۰- اموالی از تاجر ورشکسته، که ممکن است در مدت کوتاهی ضایع شوند و یا کسر قیمت پیدا کنند چگونه و توسط چه کسی

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

فروخته می‌شوند؟

الف) مدیر تصفیه

ب) عضو ناظر

ج) مدیر تصفیه و عضو ناظر متفقاً

د) با اجازه عضو ناظر و توسط مدیر تصفیه

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۴۵ قانون تجارت؛

ماده ۴۴۵ مقرر می‌دارد: «فروش اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیایی که نگاه‌داشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیر تصفیه به عمل می‌آید.»

مبحث چهل و سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات

۲۴۱- نسبت به دعاوی تاجر ورشکسته راجع به اموال غیرمنقول که طلبکاران در آن ذینفع باشند، مدیر تصفیه می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد.

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) با اجازه عضو ناظر

ب) با اجازه عضو ناظر و موافقت تاجر ورشکسته

ج) با اجازه عضو ناظر و تصدیق دادگاه

د) با اجازه عضو ناظر و موافقت اکثریت طلبکاران

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۵۸ و ۴۵۹ قانون تجارت؛

ماده ۴۵۸ مقرر می‌دارد: «نسبت به تمام دعاوی که هیأت طلبکارها در آن ذینفع می‌باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.»
ماده ۴۵۹ مقرر می‌دارد: «اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم‌الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید، در موقع تصدیق صلح‌نامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.»

دوهفته‌نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

[Www.Magazine.Shme.ir](http://www.Magazine.Shme.ir)

مبحث چهل و چهارم: در تشخیص مطالبات طلبکارها

۲۴۲- بانک (الف) با اخذ وثایق ملکی به شرکت پارس یک فقره وام اعطاء نموده است. به علت عدم پرداخت دیون توسط شرکت، بانک از طریق اجرائیه ثبتی درصدد وصول مطالبات خویش است. قبل از خاتمه عملیات اجرائیه ثبتی، حکم ورشکستگی شرکت صادر می‌شود؛ در این صورت:

الف) عملیات اجرائیه ثبتی متوقف نمی‌شود و دایره اجرا باید مراتب را به اداره تصفیه اطلاع دهد.
ب) صدور حکم ورشکستگی مانع ادامه عملیات اجرائیه ثبت نیست، زیرا بانک طلبکار دارای وثیقه است.
ج) عملیات اجرائیه ثبتی متوقف می‌شود و دایره اجرا باید پرونده اجرائیه را به اداره تصفیه ارسال نماید.
د) مدیر تصفیه شرکت باید جهت توقیف عملیات اجرائیه ثبتی تقاضای صدور دستور موقت نماید و مادام که دستور موقت صادر نشده است نمی‌توان مانع ادامه عملیات اجرائیه شد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۶۲ ق.ت.

ماده ۴۶۲- پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آنرا به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

۲۴۳- از بین طلبکاران تاجر ورشکسته، شخصی که طلب او را موقتاً قبول کرده است، طلبکار موقت نامیده می‌شود. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه (ب) مدیر تصفیه

ج) عضو ناظر (د) هیأت طلبکاران

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۷۰ قانون تجارت؛

ماده ۴۷۰ مقرر می‌دارد: «محکمه می‌تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع فیہ معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می‌کند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیأت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.»

۲۴۴- یکی از طلبکاران تاجر ورشکسته، نتوانسته است ظرف مدت تعیین شده و رعایت مقررات ناظر به موضوع، اعلام طلب کند وضعیت او با کدام یک از گزینه‌های زیر مطابقت دارد؟ (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) او می‌تواند بدون اینکه به عملیات و تشخیص‌ها و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن او به عمل آمده حق اعتراض داشته باشد و حصه‌ای را که در تقسیمات سابق می‌توانسته است به او تعلق گیرد مطالبه کند اعلام طلب کند تا در تقسیماتی که ممکن است بعداً به عمل آید جزء غرما محسوب شود.

ب) می‌تواند حال اعلام طلب کند و حق او از اموال باقیمانده، تمام و کمال قابل پرداخت است.

ج) به علت انقضاء مهلت و فرصت اعلام طلب، هیچ ادعا و درخواستی نه برای گذشته و نه برای آینده از او پذیرفته نیست.

د) هیچکدام

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۷۳ قانون تجارت؛

ماده ۴۷۳ مقرر می‌دارد: «طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکرده نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به عمل آید جزء غرما حساب می‌شود بدون اینکه حق داشته باشند حصه‌ای را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.»

مبحث چهل و پنجم: در قرارداد ارفاقی

- در ترتیب قرارداد ارفاقی

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۴۵- قرارداد ارفاقی در صورت انعقاد با چه اکثریتی واجد اثر حقوقی است؟

الف) کلیه طلبکاران

ب) نصف به علاوه یک طلبکاران

ج) هر تعداد از طلبکاران که دارای سه ربع مطالبات تشخیص و تصدیق شده باشند.

د) نصف به علاوه یک طلبکاران به شرط داشتن سه ربع مطالبات تشخیص و تصدیق شده.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۸۰ قانون تجارت؛

ماده ۴۸۰ مقرر می‌دارد: «قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لاقل نصف بعلاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لاقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند والا بلااثر خواهد بود.»

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۲۴۶- قرارداد ارفاقی با چه شرایطی منعقد و مؤثر می‌شود؟

الف) با امضای آن بین تاجر ورشکسته و طلبکارانی که دارای اکثریت عددی باشند و لاقل سه ربع از مطالبات تشخیص و تصدیق شده اعم از قطعی و یا موقت را نیز داشته باشند.

ب) با امضای آن بین تاجر ورشکسته با نصف بعلاوه یک طلبکاران، بشرط اینکه مجموع طلب آنها بیش از نصف طلب کلیه طلبکاران هم باشد.

ج) با امضای آن بین تاجر ورشکسته و نصف بعلاوه یک طلبکاران

د) با امضای آن بین تاجر ورشکسته و طلبکارانی که دارای اکثریت عددی باشند و لاقل سه ربع از مطالبات تشخیص و تصدیق شده اعم از قطعی و یا موقت را نیز داشته باشند و این قرارداد به تصدیق دادگاه هم برسد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۸۰ و ۴۸۶ قانون تجارت؛

ماده ۴۸۶ مقرر می‌دارد: «قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند محکمه نمی‌تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید هرگاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی به عمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند، اگر اعتراضات تصدیق شود نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلااثر می‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۴۷- امکان انعقاد قرارداد ارفاقی منتفی است در صورتی که ورشکستگی:

الف) عادی باشد.

ب) به تقلب باشد.

ج) به تصفیه باشد.

د) به تقصیر و یا تقلب باشد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۴۸۳ قانون تجارت؛

ماده ۴۸۳ مقرر می‌دارد: «اگر تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود، در موقعی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می‌شود لازم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت، اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰

را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۴۸- با کدام یک از تجار ذیل نمی توان قرارداد ارفاقی منعقد کرد؟

الف) تاجری که حکم ورشکستگی قطعی او صادر شده باشد.

ب) تاجر ورشکسته به تقلب که حکم قطعی او صادر شده باشد.

ج) تاجر ورشکسته به تقصیر که حکم قطعی او صادر شده باشد.

د) موارد ب و ج

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ قانون تجارت؛

ماده ۴۸۴ مقرر می دارد: «اگر تاجر به عنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها می توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را به تأخیر بیندازند.»

- در اثرات قرارداد ارفاقی

۲۴۹- اگر ثابت شود اشخاصی که واقعاً طلبکار نبوده اند، به عنوان بستانکاران تاجر تشخیص و تصدیق شده اند، قرارداد ارفاقی است.

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) صحیح

ب) باطل

ج) قابل فسخ

د) پس از حذف طلبکاران غیرواقعی، صحیح

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق مواد ۴۹۰ و ۴۹۲ قانون تجارت؛

ماده ۴۹۰ مقرر می دارد: «پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارایی یا مقدار قروض حيله ای به کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.»

ماده ۴۹۲ مقرر می دارد: «در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است:

۱. در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب

۲. در مورد ماده ۴۹۰»

۲۵۰- حکم بطلان قرارداد ارفاقی نسبت به کسانی که بعد از انعقاد آن قرارداد از تاجر طلبکار شده اند تسری: (آزمون ۱۳۸۲)

الف) ندارد.

ب) دارد.

ج) ندارد، در صورت تأیید دادگاه.

د) ندارد، در صورت موافقت ارگان تصفیه.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۴۹۰ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۵۱- در مورد قرارداد ارفاقی کدام عبارت صحیح نمی باشد؟

الف) پس از تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه بطلان آن مطلقاً قابل قبول نیست.

ب) معاملات تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه تحت شرایطی قابل ابطال است.

ج) حکم ورشکستگی تاجر ورشکسته ای که قرارداد ارفاقی را منعقد کرده تحت شرایطی قابل صدور است.

د) در صورت عدم اجرای قرارداد ارفاقی توسط تاجر، هر یک از طلبکاران که قرارداد ارفاقی را منعقد نموده اند از دادگاه درخواست فسخ قرارداد ارفاقی را بنمایند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۰ و ۵۰۳ قانون تجارت؛

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۵۲- انعقاد قرارداد ارفاقی موجب می‌شود که ورشکسته:

- الف) نتواند تا تصفیه اموال به کار خود ادامه دهد.
- ب) تحت نظر مدیر تصفیه اموال خود را در اختیار گرفته و اداره کند.
- ج) پس از تصویب قرارداد ارفاقی مجدداً به کار خود ادامه دهد.
- د) نتواند به کار خود ادامه دهد و عضو ناظر به کلیه امور نظارت نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مستفاد از ماده ۴۹۱ قانون تجارت؛

ماده ۴۹۱ مقرر می‌دارد: «همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می‌دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می‌شود. مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده‌اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می‌گیرد و پس از آنکه قرار تأدیه سهم طلبکاران مذکور را داد مأموریت مدیر تصفیه ختم می‌شود، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می‌نماید و مأموریتش خاتمه می‌یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.»

۲۵۳- در مورد برائت ذمه شخص حقیقی ورشکسته کدام گزینه صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) حکم اعاده اعتبار قانونی موجب برائت ذمه از مانده دیون است.
 - ب) ختم عملیات تصفیه امور ورشکسته موجب برائت ذمه از مانده دیون است.
 - ج) حکم اعاده اعتبار اعم از حقی یا قانونی موجب برائت ذمه از مانده دیون است.
 - د) ختم عملیات تصفیه یا حکم اعاده اعتبار موجب برائت ذمه از مانده دیون نیست.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۴۹۱، ۵۶۱ و ۵۶۵ قانون تجارت؛

- در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

۲۵۴- معاملات تاجر ورشکسته در فاصله بین صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی و حکم بر بطلان یا فسخ آن: (آزمون ۱۳۸۸)

- الف) در صورتی که ضرر وارد شود حتی بدون قصد اضرار هم باطل است.
- ب) در صورتی که به قصد اضرار به طلبکاران باشد و واقعاً هم ضرر وارد شود باطل است.
- ج) در هر حال صحیح است.
- د) مطلقاً باطل است.

www.Magazine_Shme.ir

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۰۰ قانون تجارت؛

ماده ۵۰۰ مقرر می‌دارد: «معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.»

مبحث چهل و ششم: در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها

۲۵۵- اگر کسی از تاجر ورشکسته دو طلب داشته باشد که یکی از آنها با وثیقه و دیگری عادی باشد، در صورتی که مورد وثیقه

(آزمون ۱۳۸۱)

بعد از فروش و پرداخت طلب یا وثیقه، مازاد داشته باشد:

الف) از محل مازاد، طلب دیگر او پرداخت می‌شود.

ب) او نسبت به طلب دوم وارد در غرماء می‌شود.

ج) مازاد نیز در قبال متفرعات به طلبکار با وثیقه داده می‌شود.

د) مازاد به اموال ورشکسته برمی‌گردد و او نسبت به طلب دوم وارد در هیأت طلبکاران با حق رجحان می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۱۶ قانون تجارت؛

ماده ۵۱۶ مقرر می‌دارد: «اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی‌العموم آن را بفروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکارها باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزء طلبکارهای عادی غرماً منظور خواهد شد.»

۲۵۶- در مورد ترتیب تقسیم اموال ورشکسته در تصفیه اختیاری، کدام گزینه صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) موثق‌ها، طلبکاران عادی، ممتازها (ب) ممتازها، موثق‌ها، طلبکاران عادی

ج) موثق‌ها، ممتازها، طلبکاران عادی (د) ممتازها، طلبکاران عادی، موثق‌ها

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۵۲۲ قانون تجارت و ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸؛

مبحث چهل و هفتم: در دعوی استرداد

۲۵۷- یک فقره چک با ظهنویسی به عنوان وکالت در اختیار تاجر قرار گرفته است. در صورت ورشکستگی تاجر، کدام مورد

صحیح نمی‌باشد؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) در صورت وصول وجه چک توسط تاجر، صاحب سند برای دریافت وجه آن باید در ردیف غرماء قرار گیرد.

ب) در صورت اثبات اینکه ظهنویسی به عنوان وکالت بوده است، ظهننویس حق مراجعه به مدیر تصفیه را خواهد داشت.

ج) در صورت عدم وصول وجه چک و بقاء آن در ید تاجر، صاحب چک می‌تواند لاشه چک را از مدیر تصفیه مسترد نماید.

د) در صورت وصول وجه چک توسط تاجر، صاحب چک در ردیف غرماء قرار نمی‌گیرد و می‌تواند کل مبلغ چک را از مدیر تصفیه وصول نماید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۲۸ قانون تجارت؛

ماده ۵۲۸ مقرر می‌دارد: «اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تأدییه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند.»

۲۵۸ رجوع کنید به دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، یادداشت ۲ و ۳ ماده ۵۲۸؛

www.Magazine.Shine.ir

مبحث چهل و هشتم: در ورشکستگی به تقصیر

۲۵۸- اگر تاجر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر و یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد، در این

صورت:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) اقدام او قانونی است. (ب) ورشکسته به تقصیر می‌باشد.

ج) ورشکستگی او عادی است. (د) ورشکسته به تقلب محسوب می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۳ ماده ۵۴۱ قانون تجارت؛

ماده ۵۴۱ مقرر می‌دارد: «تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلام می‌شود:

۳- اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراضی یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد...»

(آزمون ۱۳۸۵)

۲۵۹- در صورتی که تاجر ورشکسته دفاتر خود را بدون تقصیر مفقود نموده باشد:

الف) ورشکسته به تقصیر محسوب و به جزای نقدی محکوم می‌شود.

ب) ورشکسته عادی محسوب می‌شود.

ج) ورشکسته به تقلب محسوب می‌شود.

د) ورشکسته به تقصیر محسوب می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مبحث در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب (مواد ۵۴۱ تا ۵۵۰) قانون تجارت؛

کچک زیرا تاجر تقصیری نداشته و مفقود نمودن دفاتر تجاری عمدی نبوده است. بنابراین ورشکستگی به تقصیر و تعقیب نیست و در ضمن ورشکستگی عادی فاقد جنبه جزایی است.

۲۶۰- اگر تاجری به قصد به تأخیر انداختن ورشکستگی خود از طرق مختلف به وسایلی که دور از صرفه است، تحصیل وجهی

(آزمون ۱۳۸۶)

نماید:

الف) دادگاه می‌تواند او را ورشکسته به تقلب اعلام کند.

ب) دادگاه می‌تواند او را ورشکسته به تقصیر اعلام کند.

ج) دادگاه مکلف است او را ورشکسته به تقصیر اعلام می‌کند.

د) دادگاه باید او را ورشکسته به تقلب اعلام نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۴۱ قانون تجارت؛

ماده ۵۴۱ مقرر می‌دارد: «تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود:

۱. در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است؛

۲. در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است؛

۳. اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراضی یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

۴. اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.»

www.Magazine.China.ir

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۶۱- صدور برات سازشی از اموری است که:

الف) دادگاه می‌تواند تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقصیر نماید.

ب) دادگاه باید تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقصیر نماید.

ج) دادگاه می‌تواند تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقلب نماید.

د) دادگاه باید تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقلب نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۴۲ قانون تجارت؛

۲۶۲- چنانچه معلوم گردد تاجر ورشکسته: (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) پس از تاریخ توقف با ترجیح یکی از طلبکارها بر سایرین طلب او را پرداخته باشد ورشکسته به تقصیر می‌گردد.
- ب) پیش از توقف میان بستانکاران تبعیض قائل شده، ورشکسته به تقصیر می‌گردد.
- ج) دفاتر خود را مطابق قانون تنظیم ننموده باشد، ورشکسته به تقلب می‌گردد.
- د) پس از توقف، به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی پائین‌تر یا فروشی بالاتر از مظنه روز کرده باشد ورشکسته به تقصیر می‌گردد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۵۴۱، ۵۴۲ و ۵۴۹ قانون تجارت؛

۲۶۳- در مورد برائت ذمه شخص حقیقی ورشکسته، کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۱)

- الف) حکم اعاده اعتبار موجب برائت ذمه از مانده دیون است.
- ب) ختم عملیات تصفیه امور ورشکسته موجب برائت ذمه از مانده دیون نیست.
- ج) فقط حکم اعاده اعتبار حقی موجب برائت ذمه از مانده دیون است.
- د) ختم عملیات تصفیه یا حکم اعاده اعتبار موجب برائت ذمه از مانده دیون نیست.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۵۶۱ و ۵۶۵ قانون تجارت؛

ماده ۵۶۱- هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می‌نماید.

ماده ۵۶۵- تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌تواند اعتبار خود را اعاده نمایند:

- ۱- تاجر ورشکسته‌ای که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمامی وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد، این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود.
- ۲- تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند.

۲۶۴- دادخواست اعاده اعتبار تاجر ورشکسته باید به چه مرجعی داده شود؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) عضو ناظر

ب) رئیس دادگستری شهرستان محل صدور حکم توقف

ج) اداره تصفیه امور ورشکستگی

د) دادستان حوزه قضایی دادگاه صادرکننده حکم توقف تاجر

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۵۶۶ قانون تجارت؛

۲۶۵- در صورتی که تاجر ورشکسته اقرار به وقفیت مال خود نماید: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) وقف قابل فسخ است.

ب) اقرار او نافذ است.

ج) وقف غیرنافذ است.

د) اقرار او نافذ نیست.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۱۲۶۴ و ۱۲۶۵ قانون مدنی؛

ماده ۱۲۶۴ مقرر می‌دارد: «اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر ذیان نافذ نیست.»

ماده ۱۲۶۵ مقرر می‌دارد: «اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء اثر نمی‌شود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد.»

۲۶۶- در مورد شمول مقررات ورشکستگی بر شرکت‌های بیمه کدام گزینه صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) فقط بیمه‌های خصوصی مشمول مقررات ورشکستگی هستند.
- ب) بیمه‌ها مشمول مقررات ورشکستگی هستند.
- ج) بیمه‌ها مشمول مقررات ورشکستگی نیستند.
- د) فقط بیمه‌های دولتی که خصوصی سازی شده اند از شمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۵۱ و ۵۳ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰؛

مبحث چهل و نهم: اسم تجارتي

۲۶۷- مدت اعتبار اسم تجارتي ...

(آزمون ۱۳۸۰)

- الف) پنج سال است.
- ب) ده سال است.
- ج) برای همیشه است.
- د) هر سال باید تمدید شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۸۰ قانون تجارت؛

ماده ۵۸۰ مقرر می‌دارد: «مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است.»

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۲۶۸- «اسم تجارتي» مترادف با کدامیک از عبارات ذیل می‌باشد؟

- الف) ورقه اختراع
- ب) علامت تجاری
- ج) اسم شرکت ثبت شده
- د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحه ۸۸۶.

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۶۹- مدت استفاده انحصاری از اسم و علامت تجارتي به ترتیب کدام است؟

- الف) ۵ سال و ۱۰ سال
- ب) ۵ سال و ۳ سال
- ج) ۳ سال و ۱۰ سال
- د) هر دو ۵ سال

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۸۰ قانون تجارت و ماده ۱۴ قانون ثبت علائم و اختراعات؛

ماده ۵۸۰ مقرر می‌دارد: «مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است.»

ماده ۱۴ قانون ثبت علام و اختراعات مقرر می‌دارد: «... مدت اعتبار ثبت علامت ده سال است.»

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث پنجاهم: موارد مرتبط با قانون ثبت علائم و اختراعات

(آزمون ۱۳۸۳)

۲۷۰- داشتن علامت تجارتي:

- الف) اختیاری است.
- ب) الزامی است.
- ج) در صورت الزامی دانستن دولت الزامی است.
- د) در صورتی که قرار باشد روی کالا نصب شود الزامی است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ماده ۱ قانون ثبت علائم و اختراعات؛

تبصره ماده ۱ مقرر می‌دارد: «داشتن علامت تجارتي اختیاری است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قرار دهد.»

www.Magazine.Shme.ir

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۷۱- کدام عبارت صحیح نمی‌باشد؟

- الف) اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد.
 - ب) افشاء اختراع در ظرف مدت ۶ ماه قبل از تاریخ تقاضا مانع ثبت خواهد بود.
 - ج) طرح‌ها و قواعد یا روش‌های انجام کار تجاری، به عنوان اختراع قابل ثبت نمی‌باشد.
 - د) حقوق ناشی از اختراع ثبت شده در صورت فوت صاحبان حق به ورثه منتقل می‌شود.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰؛

مبحث پنجاه و یکم: در شخصیت حقوقی

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۷۲- اقامتگاه شخص حقوقی

- الف) محلی است که مرکز مهم امور او در آنجاست.
- ب) محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست.
- ج) محلی است که مدیرعامل در آنجا سکونت دارد.
- د) مرکز عملیات او در آنجاست.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۹۰ قانون تجارت؛

ماده ۵۹۰ مقرر می‌دارد: «اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.»
کج به عقیده برخی از حقوقدانان، قانون تجارت قانونی خاص است و به وسیله قانون مدنی که قانون عام مؤخرالتصویب است، نسخ نشده است. (دمرچیلی، دکتر محمد، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، صفحات ۹۴۳ و ۹۴۴)

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۷۳- تابعیت شرکت‌های تجاری در ایران:

- الف) تابع اقامتگاه آنهاست.
- ب) بوسیله دولت تعیین می‌شود.
- ج) در مجمع عمومی عادی به وسیله سهامداران تعیین می‌شود.
- د) به وسیله مؤسسين تعیین می‌شود ولی چنانچه شرکاء بخواهند متعاقباً می‌توانند نسبت به تغییر اقامتگاه اقدام نمایند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها و ماده ۵۹۱ قانون تجارت؛

ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها مقرر می‌دارد: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد، شرکت ایرانی محسوب است.»
ماده ۵۹۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.»

مبحث پنجاه و دوم: موارد مرتبط با قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۷۴- کدام بیان صحیح می‌باشد؟

- الف) اداره تصفیه می‌تواند به حساب تاجر از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری وام اخذ نماید.
- ب) اداره تصفیه به هیچ وجه حق دریافت وام به حساب تاجر از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را ندارد.
- ج) اداره تصفیه فقط می‌تواند به حساب تاجر وام بدون بهره از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اخذ نماید.
- د) اداره تصفیه بعد از صدور حکم ورشکستگی فقط حق دریافت مطالبات تاجر و پرداخت و تصفیه بدهی‌های تاجر را دارد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸؛

ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «اداره تصفیه در صورت لزوم می‌تواند برای اقدامات تأمینیه بدوی به اعتبار دارایی موجود ورشکسته استعراض نماید.»

۲۷۵- اگر به بستانکار تاجر ورشکسته، دعوایی که نتیجه آن مشکوک بوده و هیأت طلبکاران از آن صرف نظر کرده واگذار شده باشد و آن دعوی به نتیجه مطلوب بیانجامد، مالی که از آن دعوی حاصل می‌شود متعلق به است. (آزمون ۱۳۸۱)

الف) همه طلبکاران

ب) طلبکاری که دعوی را به نتیجه رسانده

ج) بستانکاری که طرح دعوی کرده تا حد طلب او

د) طلبکاری که طرح دعوی کرده تا حد هزینه دادرسی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸؛

ماده ۴۵ مقرر می‌دارد: «اگر در هیأت بستانکاران شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ قانون تجارت جمع باشد می‌توانند از دعوایی که نتیجه آن مشکوک است صرف نظر نمایند.»

۲۷۶- در مورد ترتیب تقسیم اموال ورشکسته، کدام مورد صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۱)

الف) اول هزینه‌های ورشکستگی و ممتازها، دوم غرما

ب) اول هزینه‌های ورشکستگی، دوم ممتازها، سوم غرما

ج) اول ممتازها، دوم غرما، سوم هزینه‌های ورشکستگی

د) اول ممتازها، دوم هزینه‌های ورشکستگی، سوم غرما

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۴۶ و ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸؛

ماده ۴۶- وقتی که پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردید اداره صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی آن تنظیم خواهد نمود. هزینه توقف که به موجب آیین‌نامه تعیین می‌شود و هزینه تصفیه قبلاً موضوع می‌شود صورت تقسیم و حساب نهایی در مدت ده روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنها خواهد رسید به علاوه خلاصه از صورت مربوط به سهم هر یک برای آنها فرستاده خواهد شد.

ماده ۵۸- بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند.

طلب‌هایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقی‌مانده طلبهایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بریکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود.

طبقه اول

الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف.

ب - حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف.

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف.

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال از انقضای آن اعلام شده باشد.

طبقه سوم

طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده است.

طبقه چهارم

الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقل از پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می شود.

طبقه پنجم

سایر بستانکاران.

۲۷۷- در صورتی که کارفرمای کارگران مشمول قانون کار، تاجر ورشکسته باشد، مطالبات آن کارگران محسوب می شود.

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) عادی

ب) ممتاز

ج) بعضاً دارای اولویت

د) تماماً دارای اولویت

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۷۸- کدام یک از موارد ذیل، طلبکار با حق الویت محسوب می شوند؟

الف) بانک ها در خصوص مطالبه اصل وام و خسارات تأخیر تأدیه ایام بعد از توقف

ب) وزارت دارایی در مورد وصول مالیات و جرایم متعلقه تاجر ورشکسته

ج) بستانکارانی که بعد از تاریخ توقف، اموال تاجر را توقیف نموده اند.

د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸؛

۹۵ رجوع کنید به آرای وحدت رویه به شماره های ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۹، ۵۱۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ و ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۰۸/۰۶

هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ **اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران**

www.Magazine.Shme.ir